

قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۶

سرمقاله

### نتیجه انتخابات بیانگر نفرت و بیزاری روزافزون توده‌ها از احیای روابط گذشته و از سیاستهای انحصار طلبان است

شیوه رای گیری و شمارش آراء و حتی شیوه اعلان نتایج انتخابات مجلس به اصطلاح خبرگان، نشانه ورعستگی سیاسی و فکری گردانندگان انتخابات بود. رفتار و کردار دولت مسئولان امور پارلیمنتر بخوبی نشان داد که می‌خواهند هر طور می‌شود از ارتقاء آگاهی سیاسی توده‌ها جلوگیری کنند و حتی المقدور توده را از شرکت در تعیین سرنوشت خود محروم سازند.

در واقع حاکمیتی که فراردهای اقتصادی و نظامی رژیم شاه را با امپریالیسم امریکا ایفا می‌کند و صراحتاً از این سیاست دفاع می‌کند، حاکمیتی که کارشناسان نظامی امریکا این دشمنان سوگند خورده خلقهای ایران را دوباره بهمین باز می‌گرداند، ضد اطلاعات ارتش را دوباره مثل سابق و برای حفظ اطاعت کورکورانه و تبدیل ارتشیان به مهرهای سرکوبگر سرمایه‌داری، احیا می‌کند و ساواک را البته بنا به اظهارات سخنگوی دولت با محتوایی جدید، تجدید سازمان می‌کند و خلاصه این که به سرعت برای پهن کردن سرکوب مردم ایران و نجات سرمایه‌داری آماده می‌شود، چاره‌ای هم جز ادامه همین سیاستهای انحصار طلبانه ضد دموکراتیک ندارد و نخواهد داشت.

لیکن واکنش توده‌ها نسبت به انتخابات، انگیزه‌ها، خود مردم از نحوه برگزاری انتخابات و عدم شرکت گروههای وسیعی از مردم همه و همه نشان می‌دهد که شناخت توده‌ها نیز از حاکمیت سیاسی موجود هر روز عمق و گسترش بیشتری می‌یابد و حتی انحصار طلبان روزبه‌روز کهرنگتر می‌شود.

مردم در جریان روزهای پیش از انتخاب، به خوبی مشاهده کردند که گروههای فشار یعنی فاکتورهای مودحانیت دولت چه محیطی پدید آوردند و چگونه با تهدید، ارباب، فشار، حمله به مردم و پاره کردن اعلامیه‌ها و بیانیها، تگناشتند صدای نیروهای انقلابی به گوش مردم برسد. لیکن خود این اعمال ماهیت کارگردانان آن را بیش از پیش افشا ساخت و ثابت کرد که آنها به نه به توده‌ها بلکه به سرمایه‌داری تکیه دارند فقط در سایه تهدید و ارباب، عوام‌فریبی و اعمال تروریستی می‌توانند چند صباحی دیگر به حیات خود ادامه دهند. انتخابات در چنین شرایطی برگزار شد و در اکثر حوزه‌ها رای بی‌سوادان را هواداران حزب جمهوری اسلامی نوشتند و به صندوقها ریختند خودشان مسئول رای گیری بودند و بقیه در پیچیده ۹

## چرا کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مو تلفین از صندوق‌ها بیرون آمدند

استقبال مردم از این انتخابات را با رفتارندوم جمهوری اسلامی قابل مقایسه ندانست. البته تا لحظه نگارش این مقاله هنوز نتایج قطعی اعلام نشده است. با وجود همه شواهد از کاهش قابل ملاحظه تعداد شرکت کنندگان در رای گیری حکایت می‌کند. بررسی و تحلیل دلایل بقیه در صفحه ۲

ما تازگی داشت و هر چند که پس از پیام پرشکوه بهمن‌ماه از پیروزی خلق زحمتکش بر شاه و اخراج او طبیعتاً انتظار میرفت توده مردم با شور و شوقی بی‌پیشتر از آنچه مشاهده شد در انتخاب نماینده خود برای مجلس بررسی قانون اساسی شرکت کنند اما، حتی وزیر کشور هم در اظهار رسمی خود

سرانجام انتخابات «مجلس خبرگان» برگزار شده مجلسی که قرار است قانون اساسی جمهوری را تدوین کند. هر چند که چنین رویدادی در تاریخ مبین

### نظر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون انتخابات «مجلس خبرگان»

اکنون انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی پایان یافته و حاصل کار گردانندگان امور باید مورد قضاوت خلقهای ایران قرار گیرد. نظر با اهمیت موضوع و اینکه این انتخابات، بدستی برای آینده خواهد شد بقیه در صفحه ۲

### هر گونه خیانتی به مردم باید افشا شود

دولت که چهره واقعی‌اش هر روز بیشتر پیش افشا می‌شود و ماهیت آن برای مردم شناخته می‌شود. برای حفظ موجودیت خود به قوانین متوسل می‌شود که رضایان و پسر دیکتاتور برای سرکوب خلقهای میهن ما وضع کرده بودند. یک روز قانون ۱۳۱۵ رضا خانی را برای مبارزه با نیروهای انقلابی زنده می‌کنند و آنرا معتبر میدانند، فردا برای سرکوب کارگران مقررات جدیدی در باره اداره حفاظت جدید با نام نیروی ویژه پدید می‌آورد. و بار دیگر به قانون دادوسی و کینترتس «داهنتاهی» متوسل می‌شوند. این سرانجام همه آنهاست که از خلق می‌هراسند و در راهی جز استغلال و آزادی میهن ما گام بر نمی‌دارند.

حتما اطلاعیه چند روز پیش دامن‌نارانش را در مورد مجازات آنها که با فتیله‌های مرمیانه بریزد، در مطبوعات ۱۲ مردادماه چاپ رسید خوانند و این اطلاعیه یادآور اطلاعیه‌های داستان ارتش در دوران رژیم سرنگون شده است. در آن زمان نیز داستان ارتش برای ایجاد رعب و هراس در میان مردم، اطلاعیه‌های تهدید کننده صادر می‌کرد. امروز بجای آن داستان ارتش، داستانی دیگر نوشته است. اما همان وظایف او را انجام می‌دهد. اکنون مردم بی‌میرند که نه تنها ماهیت ضد خلقی ارتش تغییر نکرده و ارتش همچنان دشمن مردم است، بلکه حتی آنقدر ماهیت ضد خلقی آن عریان شده است که بهمان قوانین و مقرراتی متوسل می‌شود که شاه مزدور برای حفظ موجودیت خود و اربابان آمریکانیش وضع کرده بود. این قوانین و مقررات ضد مردمی در مجلسی به تصویب رسید که نمایندگان دست

بقیه در صفحه ۵

### رفیق فدایی و نداد ایمانی بدست مر تجعین سر سپرده امپریالیسم به شهادت رسید



● آنان که انقلابیون راستین خلق را به خون می‌کشند باید بدانند که هرگز نمی‌توانند از چنگ مردم بگریزند.

پیروزی از آن خلقهاست

یکبار دیگر دستهای جنایتکار ارتجاع و سرگردان سرمایه‌داری، ستمهای کسانی که بر پوشش دفاع ازین از منافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ دفاع می‌کنند، از آستین



راهسوخ مدافعان خلق نشان داده است که از هر نظر خون ماهواران رزمند و پیگیر به پا خواهد داشت.

بیرون آمدند و یکی از رزمندگان برآمدگان، فدائی خلق، رفیق و نداد ایمانی را به شهادت رساندند و بدین سان شهید دیگری را بر هزاران شهید بیخون حخته خلقهای ستمکش ایران افزودند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، همصدا با همه مردم آگاه و انقلابی میهن، ضمن ابراز تنفر و انزجار از جنایت‌های کثیف و سراسر مرتجع و مزدور که هر روز در گوشه و کنار ایران حتمت به جنایات تازه‌ای می‌زنند اعلام میدارد که فعالیت‌های ضد خلقی، ضد انقلابی و جنایتکارانه

### درباره وسائل ایمنی کار

ماده ۶۱ تا ۷۴ قانون کار (کارفرمایی) سابق درباره وسایل حفاظتی کار صحبت میکند. بطور خلاصه در باره این مواد گفته میشود که کارفرما موظف است سالیانه دو دست لباس در اختیار کارگران بگذارد، بنا بر نوع کار کارگر وسایل ایمنی از قبیل کفش حفاظتی، کلاه مخصوص فلزی، کمربند اطمینان و... تهیه نماید. و بالاخره در ماده ۷۴ می‌آید که کارفرما مکلف است مراقبت نماید که کارگران مرتباً از این وسایل استفاده کنند. بوسیله او تهیه و در اختیار آنان گذاشته شده، استفاده نمایند. عدم استفاده از وسایل مزبور قصور در انجام وظیفه محسوب میشود. کارگران بهتر از هر کس میدانند حتی این قوانین که بوسیله سرمایه‌داران و دولتشان در جهت منافع سرمایه‌داران تهیه شده بود، نیز بر روی کاغذ بوده است و توسط کلیه

سرمایه‌داران نادیده گرفته میشده است. روزی نیست که در کارگاهها و کارخانه‌ها در اثر سوجوشی کارفرما و تهیه نکردن وسایل حفاظتی، کارگران دچار سانحه، نفس عشو و احیاناً فوت نشوند. در تمام موارد کارگران سهل انگار و بی‌احتیاط و کارفرمایان بی‌گناه نشان داده میشوند. حدود یکماه پیش «کارگران پیشرو برق تهران» طی اعلامیه‌ای خبر داده بودند که: یکی از کارگران که شغل وی رانندگی بوده است به توصیه سرپرست قسمت مجبور به کار روی خط برق فشار قوی احمدآباد شهریار نشد. وی که آمادگی کار روی خط را نداشته و فاقد وسایل ایمنی کار با فشار قوی بوده است، دچار برق‌گرفتگی گشته و از بالای تیر ۱۲ متری بزمین سقوط میکند و بقیه در صفحه ۶

### سرکوب مطبوعات حمله به دستاوردهای قیام است

خبر توقیف روزنامه آیندگان و حمله به هیئت تحریریه این روزنامه بیانگر توجه‌های ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه‌ای است که هدف آن حمله بدست‌آوردهای قیام است. در حقیقت این اقدامات مقدمه‌ای است برای دریند کشیدن توده‌های ستمدیده خلق. البته از مدتها پیش انتظار چنین اقداماتی از جانب دولت می‌رفت، تنها کافی بود تا لایحه مطبوعات تصویب برسد و موج سرکوب نشریات آزادیخواه شروع شود.

### تا سیه روی شود...

در خلال چند روز گذشته سرپرست موقت تلویزیون، قطب‌زاده بهیانه توضیح پیرامون اطلاعیه سازمان ما درباره مناظره تلویزیونی مطابق معمول بهجمل و تعریف حقایق پرداخت. البته قطب‌زاده بی‌اختیار از آنست که بتواند مردم را فریب دهد. اما در مورد اظهارات او پیرامون مناظره مورد بحث بنظر ما تنها کافی است که دو فیلم مورد بحث بهمان ترتیبی که ضبط شده است، یکبار بطور کامل پیش شود تا مردم قضاوت کنند حق باکی است و چه کسی حقایق را تعریف می‌کند.

### گزارشی از مبارزات کارگران شرکت حفاری ایران ردینگ اندیتس

در صفحه ۲

### توضیح ...

چندین جرواتی بطرق مختلف با آرم سازمان وبه اعضای «چریکهای فدائی خلق» توسط اشرف دهقانی منتشر شده است. از آنجا که برای بسیاری این ساله طرح شده است که آیا این جروا از انتشارات رسمی سازمان است یا نه توضیح می‌دهیم که نه تنها مطالب منتشر شده از انتشارات سازمان نیست، بلکه هیچ يك از ترزهای آن نیز نمی‌تواند مورد تأیید مارکسیست - لنینیست باشد. چون اشرف دهقانی احتمالاً در آینده نیز به این کار ادامه خواهد داد، لذا ضروری است اعضاء و هواداران سازمان در تشخیص و تمیز آثار منتشر شده توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، از مطالب اشرف دهقانی که عموماً با تصویر رفیق شهید محمود احمدزاده همراه است، هواداران را راهنمایی کنند.

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» ۱۵ - ۸ - ۵۸

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### نظر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون انتخابات مجلس خبرگان

بقیه از صفحه ۱

می‌شوند: «آخر ترم آرا می‌خوانند و ممکن است تحت تاثیر قرار بگیرند. ما نسبت به این سیاست سرکوبگرانه، شدت موکراتیک، شدت آزادی، و انصار طلبانه شدیداً اعتراض کرده و خواستار قطع فوری آن و افشای عاملین و طراحان این سیاست هستیم. به اعتقاد ما آزادی تبلیغات انتخاباتی توسط افرادی که وابسته به کمیته‌ها بودند بهانه‌نجاترین شکل ممکن نقض شده است.

۳- با توجه به تعداد افراد متصدی هر حوزه و نیز تعداد حوزه‌ها جمع افرادی که برای اداره و کنترل رای گیری در نظر گرفته شده بودند با احتساب هر حوزه ۵ نفر در حدود ۱۰۰۰۰ نفر بالغ می‌شد که صدتا از جانب کمیته‌ها واز میان هواداران حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین انتخاب شده بودند. درحالی که پس از کششکشی طولانی بالاخره سازمان ما موفق می‌شود در مجموع ۱۰۰ عدد کارت پارسی (سیار و ثابت) از وزارت کشور دریافت کند. یعنی نه تنها حزب جمهوری اسلامی و هواداران در تمام حوزه‌ها حضور داشتند، بلکه تقریباً تمام کارهای اخذ و شمارش آراء را نیز در انحصار خود گرفته بودند. به باور ما سایر سازمانها وائتلافهای شرکت کننده در انتخابات اجازه داده نشد در هر حوزه اخذ رای بزرگ یا نمایندگی داشته باشند. بدین ترتیب در اکثریت قریب با اتفاق حوزه‌ها فقط هواداران حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین هم بزرگ بودند و هم گرداننده امور (ما در این زمینه رسماً به وزارت کشور اعتراض کرده و خواستار صدور کارت بزرگ به تعداد کافی شدیم و برای این متأسفانه وزارت کشور به مسئله توجه نکرده است.) رای گیری در اکثریت مطلق حوزه‌ها بدون حضور نماینده یا ناظر سایر سازمانهای سیاسی (جز جمهوری اسلامی و مؤلفین) صورت گرفته است.

۴- تقریباً در تمام حوزه‌ها برای هدایت رای گیری که نماینده‌اند به چه کسی رای بدهند گفته شده است به کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی رای دهید. بسیاری از رای دهندگان اسلام کاندیدها را نمی‌شناختند یا فقط یکی دو نفر را می‌شناختند. تقریباً در تمام حوزه‌ها چه متصدیان حوزه، چه افراد دیگری درحالی حضور بودند که طناً «پانویس» توصیه می‌کردند به کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی رای دهید. رای ورده برای افراد بی‌سواد را با اسمی کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین پسر می‌کردند.

۵- تقریباً در سردر تمام حوزه‌ها پوسترهای کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی نصب شده است. در تمام حوزه‌ها ورقه‌هایی پخش شده است که بطرز خودسرانه و عوام فریبانه در آنها «آنها» و انشود شده بود رای‌دندان به ۱۰ نفر کاندیدهای مؤلفین اجرای فرمان امام است. و این هم یک تلفظ آشکار از مقررات انتخابات بوده است و هم یک تقلب و جعل آشکار برای جلب آرای مردم. همه مردم ناظر بخش وسیع این اوراق در سطح شهر در ساعات رای گیری بودند و این در شرایطی بود که سایر شرکت کنندگان با رعایت مقررات طی ساعات رای گیری فعالیت تبلیغاتی خود را قطع کرده بودند. هکسها، نوارها و سایر مدارکی که از این تخلفات جمع‌آوری شده در آرشین سازمان ضبط است و بوضوح موارد تخلف را نشان می‌دهد.

۶- رادیو - تلویزیون نیز در جریان رای گیری اصل بیطرفی را نقض کرده است چرا که در طی مصاحبه‌های خپایی و رپورتاژها که پخش می‌کردند طناً از سیاستی که حزب جمهوری اسلامی تقبی می‌کند هواداری کرده است هر چند رادیو و تلویزیون مصاحبه‌ها را که اسمی کاندیدها را همراه داشته باشد پخش نکرده‌اند. ولی به‌تایید همه شنوندگان و بینندگان همه مردم را به هواداری از کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی آشکارا دعوت می‌کردند.

این رپورتاژها ادامه همان سیاست انحصار طلبانه‌ایست که بویژه شبکه تلویزیونی کشور را فرا گرفته است.

با درود به خلقهای فدایی ایران  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۱۳۵۸۵۱۴

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که افتخار گری علیه هر نوع نقض حقوق موکراتیک مردم را وظیفه خود میداند قناتوت مقدماتی خویش را نسبت به اولین انتخاباتی که در آن شرکت داشته است در تهران و حومه انتشار میدهد. پس از دریافت گزارشهای ایالات و بررسی وسیع‌تر آنها سازمان نظر جامع خود را نسبت به نحوه انجام انتخابات در سراسر ایران برای آگاهی خلقهای مبارز میهن اعلام خواهد کرد.

۱- همانطور که سازمان قبلاً اعلام کرده است، مجلس خبرگان طرحی بود برای کسب حق انحصاری تدوین قانون اساسی - سبوط گیری از مداخله سایر نیروها از شرکت در این امر. ما پیشنهاد کرده بودیم به‌ازای هر ۵۰ هزار نفر از تیمه ایران یک نماینده به مجلس برای و مجلسی با ۷۵۰ نماینده تشکیل شود تا همه نیروها، همه خلقها، همه اقشار و طبقات خلق در آن نماینده داشته باشند. ما گفته بودیم چنانچه اهمیت مجلس بررسی قانون اساسی بیش از مجلس شورای ملی است باید نمایندگان آن هم بیشتر باشند. اما انحصار طلبان هیچگونه توجهی به این پیشنهاد نکردند و بجای مجلسی که می‌بایست با ۷۵۰ نفر تشکیل میشد، مجلسی با ۷۵ نماینده تشکیل دادند. این درست نمودار غیر موکراتیک ترین و انحصار طلبانه‌ترین گردانندگان امور است. ما معتقدیم سازمانها و احزابی که کاندیدای اعلام میکنند به نسبت آرائی که می‌آورند تا یک حد نصاب مین باید در مجلس نماینده داشته باشند چنانچه مطابق نظر سازمان عمل میشد هر ۵۰ هزار نفر از سکنه ایران میتوانست یک نماینده برای تدوین و تصویب قانون به مجلس بفرستند. و چنانچه تازه با رعایت نظر گردانندگان امور که می‌خواستند فقط ۷۵ نفر را به مجلس بفرستند به مسئله تنگنم، مثلا در تهران با توجه به اینکه حق شرکت در انتخابات برای افراد شایسته سال ببالا در نظر گرفته شد است طبیعتاً افرادی که حدود ۲۰۰ هزار رای بیاورد باید به مجلس بروند حال آنکه ترمیمی اتخاذ کردند که از مزایای هیچ سازمانی حتی اگر صد هزار رای هم بیاورد به مجلس راه نمی‌آید. و این مشخصاً شرکد دیگری بوده است برای انحصار کردن حق تدوین قانون اساسی برای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین.

۲- پنجشنبه شب یازدهم مرداد اطلاعیه‌ای به‌اسمای آیت‌الله مهدوی کنی ویسی از آن سخنانی از جانب سایر مراجع مبنی بر محکوم کردن، پاره کردن اعلامیه و پوسترهای سازمانهای مختلف و عدم ترض به آنها انتشار یافت. تصور مهروود آقای مهدوی کنی و همچنین مسئولین وزارت کشور از بسج کارکنان کمیته‌ها برای پاره کردن اعلامیه‌ها و پوسترهای سازمان نه تنها مطلع بودند، بلکه طبق موارد مکرری که اتفاق افتاده است بنا به دستور مقامات بالا وظیفه داشته‌اند اعلامیه‌های سازمان را پاره کنند و توزیع کنند آراء به کمیته ببرند. در طول بخش تراکهای سازمان بیش از ۱۵۰ مورد حمله به توزیع کنندگان اعلامیه‌ها، مشروب و مجروح کردن آنها و پاره کردن یا حتی آتش زدن اعلامیه‌ها و تراکها و بازداشت توزیع کنندگان توسط کمیته‌ها وجود داشته است. چند نفر از هواداران سازمان در بیمارستان بستری شدند. ما می‌پرسم چطور تنها در آخرین ساعات فرست محبودی که برای تبلیغات وجود داشته، وقتی پاره کردن تراکهای مرفی کاندیدها در سطح شهر پایان رسیده بود آیت‌الله کنسی اعلامیه خود را صادر کردند. آیا ایشان که ریاست همه کمیته‌ها را برعهده دارند واقلاً تا آن لحظه نمی‌دانستند بیش از ۱۵۰ نفر از هواداران سازمان را افراد وابسته به کمیته‌ها بطرز وحشیانه‌ای مورد حمله قرار داده و بویژه دانش آموزان توزیع کنندگان اعلامیه را بر کتک گرفته‌اند؟ آیا آقای مهدوی کنی می‌دانستند در شهر چه می‌گذرد؟ تنها کسانی که از آگاه شدن مردم می‌ترسند، کسانی که به عقاید خود پایبند نیستند و به سستی آن پس برده‌اند از آگاه شدن مردم، از پخش شدن اعلامیه و تراکت وحشت دارند. وقتی توزیع کنندگان اعلامیه از فرد وابسته به کمیته می‌پرستند چرا اعلامیه‌ها را پاره می‌کنند؟ جواب

### چرا کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین از صندوق‌ها بیرون آمدند

بقیه از صفحه ۱

میکردند که رای دادن به کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین یک وظیفه شرعی است در این امر شرکت کردند و با اینکه رهبری روحانیت سرچا از یک لیست کاندیداتوری خاص حمایت نکرد. حزب جمهوری اسلامی سرچا بطور نقضی و تلویحاً بطور کتبی اعلام کرد که رای دادن به لیست دهنده‌ی فرمان امام است و بدین وسیله بنا زدگی خاصی از علق منجمی مردم بود کاندیدهای خود بهره‌بردار گردید. بر غوردهای مبنی رفقای ما نشان داده‌است که اکثر مراجعان به حوزه‌های رای گیری فقط می‌دانستند که باید بفرازان امام «رای بدهند» ولی برای آنها مشخص نبود است به چه کسی و برای چه منظوری باید رای بدهند و این حد بسیار نازل موکراتیک شاهه یافته میان توده‌ها را به‌بازترین شکل ممکن بازگو می‌کند.

۲۵ سال دیکتاتوری خونین و رخوت کامل مبارزات انتخاباتی اعتقاد به ضرورت تأمین حقوق موکراتیک و آزادی سیاسی را بدین ترتیب توده‌ها در حد نفرت از دیکتاتوری شاه نگاهداشته است و نهچیزی بیش از آن. اکثریت توده مردم واقفا نمی‌دانستند انتخابات مجلس خبرگان به‌بهره‌ر آنها می‌شود، سازمان ما تنها سازمانی بود که بخصوص از طریق تراکت‌ها کوشید مفاد قانون اساسی را برای مردم توضیح دهد. و برای آن نیز نیروی نیبا وسیعی بسیج کرد. ولی حاصل ناچیز کار افکارگانه سازمان در این زمینه بخصوص در مناطق جنوب شهر و محلات فقیر نشین نشان داد که در نظر وسیع‌ترین توده‌های خلق اهمیت تصویب این قانون میزان تاثیر آن در زندگی عملی ایشان واقفا آنچنان مطرح نیست. در مجموع مشاهدات ما حاکی از آن است که کسانیکه پیش‌نویس قانون اساسی را واقفا خوانده یا حتی دیده باشند به‌تیر محدود است. کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین عموماً کسانی بودند که یا پیش‌نویس را تدوین کرده‌اند یا با اساس آن موافق بوده‌اند و حکمت‌انشار متن پیش‌نویس قانون اساسی قبل از تشکیل مجلس بررسی این ظاهراً این بوده است که رای دهندگان با مطالعه و بر مبنای طرح نظرات تدوین کنندگان باینان رای دهند.

ولی تمام حقایق نشان میدهد که آرائی که بر اساس قبول پیش‌نویس تصود حزب جمهوری اسلامی به‌شمنونتها ریخته شده چنان ناچیز است که در غور محاسبه نیست. خلاصه کنیم: اکثریت مطلق رای‌دهندگان به‌حزب جمهوری اسلامی از حدفا و برنامه‌ها و سیاست حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین آن مطلع نبوده‌اند، آنان اکثریت کاندیدهای آنان چیزی از محتوای طرح پیش‌نویس نمی‌دانستند. توده‌ها نه‌برنامه‌ها و سیاست حزب رای داده‌اند و نه به‌چهره‌های آن و نه به‌پیش‌نویس پیشنهادی‌اش. همانگونه که گفتیم، انگیزه اصلی توده‌های رای‌دهنده به‌حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین آن یک احساس منجمی دایر بر انجام نوعی فریضه دینی و نوعی سپاس سیاسی محسوس به‌آیت‌الله خمینی بوده است.

علاوه بر تأثیر ۲۵ سال دیکتاتوری و سایر عوامل در ضعف استقبال از موکراتیک در میان توده‌ها باید از تاثیر تبلیغاتی که جدیداً در زمینه ترمیف و نقش و مشولیت‌های «خبره» و رابطه آن با «امت» و لزوماً نقض حق تدوین قوانین به‌خبرگان و ترویج ایده عدم صلاحیت توده‌ها در مداخله در امر قانونگذاری صورت گرفته است نام برد. جریانهای منجمی در احپای افکار شیخ فضل‌الله نوری و مشروه‌های او تلاشهای وسیعی را آغاز کرده و ذهن بسیاری از توده‌های ناآگاه را از این ایستادگی‌ها که گویا توده‌ها حق و صلاحیت شرکت در امر قانونگذاری ندارند و این وظیفه تنها به‌عهده «خبرگان» است.

این امر از بسیاری جهات برای نیروهای انقلابی ضروری است. تحلیل علمی و درست از این واقعیت در غور اهمیت بسیار است. برخی با قضاوتی عجولانه و سردستی از این واقعیت باین نتیجه میرسند که وضعیت روانی توده‌ها در رابطه با حاکمیت پانده‌اند ۱۸۰ درجه تغییر یافته است. این رفقا همیشه اعتقاد داشتند که تحولات شیرین خود را واقعیت بدانند و بر همان پایه نیز تاکتیک و نقش خویش را تدوین کنند. ما در آینده بر اساس این واقعیت کسه جنبه‌هایی از موفقیت روانی توده‌ها را بازگو می‌کنیم جمع‌بندی کرده و انتشار خواهیم داد اما فلا توضیح خواهیم داد چه‌کسانی و با چه دیدگاه‌هایی رای رفتند تا به کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین رای دهند.

قبل توضیح بحیم که از خیلی پیش همه چیز حکایت از آن داشت که کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین منحصراً کرسی‌های مجلس خبرگان را به‌خود اختصاص خواهند داد. چراکه اختراع مجلس خبرگان بجای مؤسسان، شیوه‌گریش نماینده بر اساس حائزین اکثریت و نه بر اساس حدنصاب آراء استوار بود. انتخابات بر اساس تقسیمات کشوری مسخره و شد خلقی رژیم سابق صورت گرفت. زمان تبلیغات انتخاباتی بسیار محدود بود. انتخابات در اواسط ماه رمضان و درحالی برگزار شد که تریبون‌های مساجد به‌فالت‌ترین شکل به‌نفع یک گروه خاص تبلیغ کردند و از آن سو از فعالیت‌های تبلیغاتی سایر جریانها مناسبت میشد. همانند از پیش تراکت و اعلامیه، حمله به‌پخش کنندگان اعلامیه‌مضروب کردن و دستگیری آنها، پاره کردن، آتش زدن و از بین بردن نشریات دیگران که تماماً «بسیار مقامات بالا» صورت می‌گرفت و بالاخره نوشتن رای مراجعین بی‌سواد - اکثر آزان - بود. حزب جمهوری اسلامی در همه حوزه‌ها رایج بود. بسیاری از رای دهندگان بویژه بی‌سوادان ناشناسی از تکتک کاندیدها همه در کسب کمیته‌ها و افرادی بود که بنفع حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین کار می‌کردند. انتخابات در اکثر جاهای انحصاراً زیر نظر حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین و بدون حضور حتی یک فرد مخالف انجام گرفت. و همه این کارها برای آن بود که از ورود مخالفین به‌مجلس جلوگیری کنند؟ همه این تمهیدات که شریدم برای کسب حق‌الانتخاب انحصاری تدوین قانون اساسی بوده است.

اما برآشی دیدگاهها و انگیزه‌های رای دهندگان چه بوده است؟ اکثریت مطلق رای دهندگان آراء خود را به‌رحال به کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین داده‌اند. چرا؟ آیا اهداف، برنامه‌ها و سیاستهای این حزب برای توده رای دهنده توضیح داده شده بود؟ آیا آنان با اعتقاد و شهنجی کسه به کاندیدها داشتند بدان رای داده‌اند؟ آیا مثلا در استان تهران مردم تکتک کاندیدها را می‌شناختند؟ می‌دانستند که دقیقاً همین‌ها صلاحیت تدوین قانون اساسی مورد نظر ایشان را دارند؟ با اعتقاد ما تعداد کسانی کسه میدانستند حزب جدیداً تأسیس جمهوری اسلامی چیست و چه می‌گوید یا کاندیدهای آن (جز یک - دوفی) چه کسانی هستند از چند در صد کل توده رای دهنده به‌این ائتلاف بیشتر نبود.

توده رای دهنده یعنی توده زحمتکشان شهر و روستا بدنبال خرد بورژوازی سستی کسه نمایندگان سستی آن در حزب جمهوری اسلامی گرد آمده‌اند کشیده شدند گرچه برای اقتدار بالایی و مهانی خرد بورژوازی سستی بویژه بازاریان هم حزب جمهوری اسلامی مقوله‌ای شناخته شده است و هم اکثریت کاندیدهای آن. اما وضع توده مردم چنین نیست. آنها از یک سو نظر به اعتقادی که به روحانیت دارند و از سوی دیگر نظر به اینکه صدای غمناک

### پیش‌نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است



## اعتصاب کارگران مبارز کارخانه شوفاژ کار

اعتصاب کارگران مبارز شوفاژ کار  
تهران - کارگران کارخانه شوفاژ کار از یکشنبه هفته گذشته بخاطر مقاومت کارفرمایان در برابر خواستهای برحقان دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان اجسرای دستورالعمل وزارت کار که حداقل حقوق را ۵۶۷ ریال تعیین کرده، هستد اما کارفرمایان با این خواست مخالفت میکنند. از آنجا که پایه حقوق کارگران ۲۲۵ ریال است کارگران مستندند باید ۳۵۰ ریال به حقوقشان افزوده شود ولی کارفرمایان فقط با افزودن ۱۶۵ ریال موافقت کردهاند. اعتصاب کارگران پس از دو هفته مذاکره میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان که به نتیجه نرسید صورت گرفت. در نخستین روز اعتصاب، کارفرمایان حاضر نشدند به کارگران جوابی بدهند و خود را به بی‌تفاوتی زدند ولی کارگران تصمیم گرفتند با قاطعیت بمبارزه ادامه دهند. صبح روز دوشنبه نمایندگان کارگران و کارمندان برای آخرین بار با کارفرمایان مذاکره کردند ولی آنها هیچکدام از خواستهای کارگران بهیچ طرح طبقه بندی مشاغل را نپذیرفتند. کارگران روز دوشنبه تصمیم گرفتند به نخست‌وزیری بروند. آنها را حایکه لباسهای کار به تن داشتند با شعار «سرمایه‌دار نابود است» از جاده کرج به سمت نخست‌وزیری حرکت کردند و با دادن شمارهای انقلابی در خیابان مقابل نخست‌وزیری دست به

## عمل باصطلاح انقلابی شورای فرمایشی کارگران

بالاخره چشم دولتان به اولین اقدام به اصطلاح انقلابی شورای کارگران (منتخب کمیته کار و امور اجتماعی احوار) روشن شد. قضیه از این قرار است که وقتی کارگران دوازدهم تیر جهت دریافت حقوق به حسابداری مراجعه میکنند با کمال تعجب می‌بینند که حقوق آنها کسر شده و قرار است به حساب ۱۰۰ کسب با امرخامساری ریخته شود. صحت برسر یگروز حقوق نیست، ما باین عمل خود سرانه اعتراض داریم که حتی شورا موضوع را با کارگران در میان نگذاشته و وقیعی‌تر اینکه میگویند ما اعلام کرده‌ایم هرکس مایل نیست مخالفت خود را اعلام کند. نمایندگان مجترم اعلام نکرده‌اند که کارگران نسبت به هیچ چیز اعتراض و مخالفت کنند آیا بگویند با خانه سازی مخالفت، بگویند کس شدن یگروز حقوق یعنی گرسنگی دو روز خانوادشان. هرچه بگویند فرق نمیکند. زیرا بلافاصله منافی یا کمونیت و یا شد انقلاب مرفعی میشود و این خیلی بدتر از دو روز گرسنگی است! کمی فکر کنید هنوز کله شهید جای

### نامه يك کارآموز حرفه‌ای

بدرم يك کارگر است روزی ۵۰۰ ریال مزد می‌گیرد البته با ۳۷ سال سابقه که در این کارخانه دارد با این ۵۰۰ ریال ۱۵ نفر نان می‌خورند. شما خودتان پیش خود قضاوت کنید و این پول را به تعداد ۱۵ تقسیم کنید و ببینید به هر نفر چند می‌رسد قیلا پول بیمه و آب و برق و مالیات هم کم می‌کردند حالا هم نماند کم می‌کنند پانه. خود بنده هم بعد از اینکه خدمت تمام شد

## اعتصاب کارگران کوره‌پزخانه‌های دزفول

دزفول: کارگران کوره‌پزخانه‌های دزفول از ۵ شنبه ۲۸ تیر به منظور افزوده شدن مستزود (دو تومان به ازاء هزار شخت). بیمه و بهداشت محیط اعتصاب کردند. ۱۴ ساعت کار روزانه در گرمای طاقت‌فرسای ۵۰ درجه به همراه بالا رفتن قیمت اجناس و نداشتن تنذیه مناسب علا کارگران را در شرایط نامساعد و مرگ تدریجی قرار داده است.

## مسئولان دولتی کارخانه کفش ملی نماینده کارگران را، تهدید به اخراج کردند

تهران - کارگران کارخانه کفش ملی از نماینده مبارز خود در شورای کارگران حمایت کردند و خواستار نظارت شوروی کارگران بر مسائل مربوط به کارخانه شدند. نماینده کارگران که بوسیله مسئولان فلسی کارخانه کفش ملی تهدید به اخراج شده «آقا شامی» نام دارد. مسئولان فعلی کارخانه که از طرف دولت بر امور کارخانه نظارت می‌کنند از نمایندگان شورا خواستند در کارها دخالت نکنند. در غیر این صورت از کارخانه اخراج و «مسند فی‌الارض» شناخته خواهند شد. شورای کارگران کفش ملی با حضور نمایندگان قسمتهای فروش تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت از این کارگر در برابر مسئولان دولتی کارخانه حمایت کند و به



## اتحادیه کارکنان سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

سومین کنگره اتحادیه کارکنان سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران که از ۱۳۵۰ از شرکت و کارخانه مختلف و حدود ۲۵ هزار کارگر و کارمند تشکیل می‌شود تاریخ ۲۳ تا ۲۶ مرداد ۵۸ در کتجیبود ۲۵۰ نماینده از کارخانجات و شرکت‌های مختلفی از جمله ماشین سازی پارس، آلومینیوم سازی (ایرالکو)، ماشین سازی تبریز، تراکتور سازی تبریز، موتورن، هاکیران دیزل، لیفت تراک سازی، چوب و کاغذ گیلان، کشتی‌سازی خلیج فارس، جیت سازی تهران (پاکار)، گونی بافی شاهی، سیمان ری، قند و شکر ورامین و دهها کارخانه و شرکت دیگر برگزار شد. در این کنگره اساتمام اتحادیه با اصلاحاتی تصویب شد و نام اتحادیه به ۱۱ اتحادیه‌سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کارکنان شرکتهای تابع و وابسته سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تغییر داده شد. این اتحادیه که در زمان اوج‌گیری جنبش انقلابی بدنبال اعتصابات پراکنده کارخانجات پاره‌ریزی شده اولین کنگره خود را در تیر ماه ۱۳۵۷ برگزار کرد و هیئت اجرایی

## خبرهای کوتاه کارگری

- تهران - ۸۰ کارگر کارخانه اسپید سازنده بتون‌های جدول‌جوی بخاطر پسانین بودن مستزود و عدم رسیدگی کارفرما به خواستهای برحق کارگران دست به اعتصاب زدند. این کارگران در جریان مبارزات علیه رژیم سابق فلالانه شرکت داشتند ۵۰ روز اعتصاب کرده‌بودند.
- بوکان - کارگران و گروههای مختلف مردم بوکان در يك اجتماع هیستکی که روز چهارشنبه سوم مرداد تشکیل دادند درباره ایجاد شورای خلق و ضرورت همکاری و هیستکی بیشتر زحمتکشان کرد بحث و گفتگو کردند. اجتماع هیستکی مردم بوکان که به دعوت اتحادیه‌های کارگری تشکیل شده بود بسا موفقیت پایان یافت.
- کرمانشاه - کارگران کارگاه میل‌لنگ تراشی موتورکار که در تاریخ ۲۹ مرداد اداره کارگاه را بهمه گرفته‌بودند، موفق شدند قسمتی از خواستهای خود را به کارفرما
- تهران - کارگران کارخانه کفش ملی از نماینده مبارز خود در شورای کارگران حمایت کردند و خواستار نظارت شوروی کارگران بر مسائل مربوط به کارخانه شدند. نماینده کارگران که بوسیله مسئولان فلسی کارخانه کفش ملی تهدید به اخراج شده «آقا شامی» نام دارد. مسئولان فعلی کارخانه که از طرف دولت بر امور کارخانه نظارت می‌کنند از نمایندگان شورا خواستند در کارها دخالت نکنند. در غیر این صورت از کارخانه اخراج و «مسند فی‌الارض» شناخته خواهند شد. شورای کارگران کفش ملی با حضور نمایندگان قسمتهای فروش تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت از این کارگر در برابر مسئولان دولتی کارخانه حمایت کند و به
- تهران - ۸۰ کارگر کارخانه اسپید سازنده بتون‌های جدول‌جوی بخاطر پسانین بودن مستزود و عدم رسیدگی کارفرما به خواستهای برحق کارگران دست به اعتصاب زدند. این کارگران در جریان مبارزات علیه رژیم سابق فلالانه شرکت داشتند ۵۰ روز اعتصاب کرده‌بودند.
- بوکان - کارگران و گروههای مختلف مردم بوکان در يك اجتماع هیستکی که روز چهارشنبه سوم مرداد تشکیل دادند درباره ایجاد شورای خلق و ضرورت همکاری و هیستکی بیشتر زحمتکشان کرد بحث و گفتگو کردند. اجتماع هیستکی مردم بوکان که به دعوت اتحادیه‌های کارگری تشکیل شده بود بسا موفقیت پایان یافت.
- کرمانشاه - کارگران کارگاه میل‌لنگ تراشی موتورکار که در تاریخ ۲۹ مرداد اداره کارگاه را بهمه گرفته‌بودند، موفق شدند قسمتی از خواستهای خود را به کارفرما
- تهران - کارگران کارخانه کفش ملی از نماینده مبارز خود در شورای کارگران حمایت کردند و خواستار نظارت شوروی کارگران بر مسائل مربوط به کارخانه شدند. نماینده کارگران که بوسیله مسئولان فلسی کارخانه کفش ملی تهدید به اخراج شده «آقا شامی» نام دارد. مسئولان فعلی کارخانه که از طرف دولت بر امور کارخانه نظارت می‌کنند از نمایندگان شورا خواستند در کارها دخالت نکنند. در غیر این صورت از کارخانه اخراج و «مسند فی‌الارض» شناخته خواهند شد. شورای کارگران کفش ملی با حضور نمایندگان قسمتهای فروش تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت از این کارگر در برابر مسئولان دولتی کارخانه حمایت کند و به

# پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

رفیق ونداد ایمانی

بدست مو تجعین...

بقیه از صفحه ۱
و انتقام خون همه شهدای خلق را خواهد گرفت.

رفیق ونداد ایمانی که بود؟
رفیق در سال ۱۳۲۷ درمازندران تولد یافت و پس از پایان دوره تکمیلی ابتدائی در شیرگاه بهت تکدیستی مایلان، ناچار به ترک تحصیل شد و از نو جوانی در کارخانه ساجی شماره ۲ قائم شهر (شاهی) به کارگری پرداخت. رفیق پس از هفت سال کار در کارخانه ساجی، به استخدام راه آهن درآمد و به مدت هشت سال به عنوان کمک راننده لکوموتیو کار کرد. رفیق ونداد ایمانی با وجود کار سختی که داشت دوره متوسطه را به پایان رساند. و پس از اخذ دیپلم در روستاهای شیرگاه بتدریس پرداخت و تا روز شهادت به آموزش کودکان روستا مشغول بود. رفیق یکسال پیش از شهادت خود بود و دارای کودکی سه ماهه بود.

رفیق ونداد ایمانی که از نو جوانی مناسی اشتغال و حشیانه سرمایه داران را با تمام وجود خود لمس کرده بود، در راه مبارزه به خاطر رهائی کارگران و زحمتکشان و علیه استثمارگران و ارتجاع، راه سرخ فدائی را برگزید و همین امر باعث شد، ارتجاع که مرگ خود را در آگاهی تودهها می بیند با یک توطئه طراحی شده رفیق را شناسائی و روز شنبه ۱۳ مرداد در راه قائم شهر به شیرگاه، زسر ضربات چاقو و سپس ضربات ننگ ازهای در آورد.

رفیق در جریان فعالیتهای انتظامی، در آگاه نمودن تودهها از حقوقشان و انشای پیش نویس قانون اساسی به طور فعال شرکت داشت، از این رو مورد کینه و دشمنی عناصر مرتجع قرار گرفت. مزدورانی که در جریان روزهای پیش از انتخابات به احوال تنگین خود بافروندن و با پیشروی تمام باجناحاهای نیروهای انقلابی حمله کرده و از پیش و نصب بیانیه و اعلامیه های که برای آگاهی مردم توزیع میشد جلوگیری می کردند. آنها که با چوب و چاقو و چاقو سپاری از مردم را در روزهای پیش از انتخابات مجروح ساخته سرمایه دار راه را بر رفیق شهید ونداد ایمانی بستند و او را به شهادت رساندند.

سازمان چریکهای فدائی خلق همسدا با همه نیروهای انقلابی همه مردم آگاه ایران مسرانه خواستار دستگیری و مجازات عناصری هستند که مستقیم و یا غیر مستقیم در این جنایت دست داشته اند.

خلغهای مبارز آگاه ایران دست جنایتکار این مرتجعین ضد انقلاب را با قدرت تمام کوتاه خواهد کرد. راه سرخ فدائی تاریخی کامل زحمتکشان خلق از چنگ امپریالیسم و ارتجاع ادامه خواهد یافت تا از هم اکنون اعلام میداریم که مسئولیت حوالب هرگونه کوتاهی در دستگیری و مجازات مسببین این جنایت فجیع برعهده مقامات دولت و کمیتهها است.

تمام حشی فدائیان تمامی قشرهای خون ما وقت تودههاست. آنان که انقلابیون راستین خلق را بخون می کنند باید بدانند که هرگز نمی توانند از چنگ مردم بگریزند. پیروزی از آن خلغهاست.

تدرود بر رفیق شهید فدائی خلق ونداد ایمانی مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع پیروز باد مبارزات حقیقلانه خلغهای ایران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا و هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایند. تهران - پلوار کشاورز: عیابان دهکنه (میکنه سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹ (باجات مراجعه و تلفن پستاد از ساعت ۲ الی ۸ صبح) آدرس بانکی - تهران، بانک ملی ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۲۵۸۸ بنام عباس فضیلت کلام. از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است، مستقیماً برای ستاد ارسال دارند. شماره حساب اهواز - ۲۹۹۲ - بانک تهران شعبه مرکز محمد ابراهیم اکبری



من هیچ وقت نمی گویم اشرف مخلوقات از حیوان و نبات هم پستتر باشد. من هیچ وقت نمی گویم خر و گاو رئیس و بزرگتر داشته باشند چندین و زردک پیشوا و آقا و نماینده داشته باشند و مامخلوقات را دشمنان را بزنند بمسرحودمان.

من درست الان یادم هست که خدا بیامرز خاله فاطمه هر وقت که ما جمعاً، بعد از پدر خدا بیامرز، شیطانی می کردیم، خاترا سرمی گرفتیم، می گفت الهی هیچ خانه ای بمزگرتر نباشد. بزرگتر لازم است، رئیس لازم است، آقا لازم است رئیس ملی هم لازم است، رئیس دولتی هم لازم است، اتفاق و اتحاد این دو طبقه یعنی ساختمان هم باهم لازم است. اما تا وقتی که این دو تا باهم نمانند که ما یکی را از میان بردارند.

این را هیچ کس نمی تواند انکار کند که ما ملت ایران در میان بیست کرور جمعیت، پنج کرور و سیصد و پنجاه و هفت هزار نفر وزیر، امیر، سپهسالار، سردار، امیرتومان، سرکنگ، سرتیپ، سلطان، یاور، میرمنجه، سزگربر، شازدافر، یوزباشی، دمباشی و پنجه باشی داریم و گذشته از اینها باز ما ملت ایران در میان بیست کرور جمعیت (خدا برکت بدهد) شش کرور و چهارصد و پنجاه و دوهزار و شصت و چهار و دویست آیت الله، حجت الاسلام، مجتهد مجاز، امام جمعه، شیخ الاسلام سید سنه، شیخ، ملا، آخوند قلم، مرشد، خلیفه، پیر، دلیل و پیشنماز داریم. علاوه بر اینها باز ما در میان بیست کرور جمعیت چهار کرور شاهزاده، آقا زاده، ارباب، خان، ایلیباشی، ایلیباشی داریم. زاده بر اینها اگر خدا بگذارد، این آخرها هم قریب دویسمزار نفر وکیل مجلس، وکیل انجمن، وکیل بلدیه، منشی و دختردار و غیره داریم.

همه این طبقاتی که عرض شد دوقسم بیشتر نیستند. یک دسته رؤسای ملت و یک دسته اولیای دولت، ولی هر دو قسم یک مقصود ندارند. می گویند شما کارکنید زحمت بکنید آفتاب و سرما بخورید، لخت و عور بگردید گرسنه و تشنه زندگی کنید، بنهید ما بخوریم و تشنه را حفظ و حرمت کنیم. ما چهره می داریم، فیضان قبول، خدا بی نشان توفیق بدهد. راستی راستی هم اگر اینها نباشند سنگ روی سنگ بند نمی گردد. آدم آدم را می خورد، تمدن و تربیت، بزرگی و کوچکی از میان می رود، البته وجود اینها کم یا زیاد برای ما لازم است. اما تا کسی به گنگان من تا وقتی که این دو تا باهم نمانند کما یکی را از میان بردارند....

دوران استبداد صغیر

دوقطه کوتاه از: عزیز حاجی یگوف (۱۹۲۸ - ۱۸۸۵) نویسنده، شاعر و موسیقیدان بزرگ آذربایجان. درباره ایران از اخبار واسله چنین برمی آید که در حال حاضر مردم ایران در سه جزب بزرگ گرد آمده اند. یکی از این احزاب می گویند که ایران «مشروطه» شود. دیگری می گویند: غیر، ایران باید مشروطه شود و سومی می گویند که نه، ایران، باید «مشروطه» شود. حکومت هم در این میان سرگردان مانده است و نمی داند خواست کدام یک از اینها را بجای آورد. سلطنتهای اروپایی مصلحت او را در آن می بیند که بررسی کند ببیند آیا می تواند با حزب سومین همسند شود؟

انشاءالله مملکت از دست نمیرود

از: سید اشرف الدین قزوینی (معروف به گیلانی) نقل از نسیم شمال شماره ۱۶ (دبچمه ۱۳۲۹): یک رفیقی داشتیم اسمش آخوند ملاساعیل پهلوان بود. هر حرفی که میزد، می گفت انشاء الله. یک روز به او گفتم: حالا که بازار ممدوی به کربلائی حسن بقال بگو روز جسمه بیاید زورخانه. گفت: انشاءالله. اما روز جسمه کلابن بزورخانه نیامد. بمشندی قائم گفتم: دختر هشت ساله ات را وادار درس بخواند و علم و اخلاق بیاموزد تا وقتی که مادرش به پیش از راهمانه تربیت کند. گفت: انشاءالله. بعد از سماء معلوم شد طفل هشت ساله راهبک پیرمرد شصت ساله شوهر داد. در راه ازتری به درشکمی گفتم: جامه دهن را پشت درشکه محکم کن. گفت: محکم است. انشاء الله طوری نمی شود. در بازار خمام دیدم جامه دهن آویخته شده و از زمین کشیده می شود. گفتم: قارداش جامه دهن را محکم کن، نیفتد. گفت: انشاء الله که نمی افتد. وقتی به بازار رسیدیم جامه دهن در بین راه افتاده بود. گفتم: قارداش، جامه دهن افتاد. گفت: انشاء الله پیدا می شود. ولی پیدا نشد.

مصوم خانم هیال شدی شیبان، میزب بود و روزی سه بار فیش می کرد. به او گفتم: هیالت را بفروست حکیم تا معامله شود. گفت: می فرستم انشاء الله. بعد از چند روز که او را دیدم پرسیدم: هیالت را فرستادی؟ گفتی فرستم انشاء الله. بعد از یک ماه معلوم شد مصومه خانم از بی کیمیی و بی دوائی مرده و از دنیا رفته است. اسال کارها خوب می شود انشاء الله. زستان به خوشی خواهد گذشت انشاء الله. قرا از گرسنگی نخواهند مرد انشاء الله. روستا به خوشی ماموت می کنند انشاء الله. رشتها بقیه در صفحه ۶

ادبیات مشروطه هنوز تازگی دارد!

بناسبت سالگرد انقلاب مشروطه، و نیز بناسبت انتخابات مجلس باصلاح خیرگان، مبارزات انتخاباتی که خواه ناخواه وقایع دوران مشروطه را به یاد می آورد، مروری می کنیم بر ادبیات مشروطه و می بینیم که تا چه اندازه این ادبیات تازگی خود را برای ما حفظ کرده است. دلیل آن هم مشابهت مسائلی است که در دوران ما و دوران مشروطه، مردم با آنها درگیر بوده اند. از همین روست که پیش از آنکه بشاعران و نویسندگان آن دوران بپردازیم و بایرغیورد هر یک از آنها با مسائل زمان خود در هر دوره آشنا شویم، بخشی از یک اعلامیه سوسیالدمکراتهای ایرانی مقیم قفقاز را نقل می کنیم تا ببینیم چگونه در آن دوره نیز بر علیه انقلابیونی که فدائیان خلق خود بودند توطئه چینی می شده است! این اعلامیه در شماره ۱۱ روزنامه مساوات (یک سال پس از صدور فرمان مشروطه، در تاریخ ۲۸ دبچمه ۱۳۲۵ قمری برابر با ۲ فوریه ۱۹۰۸ میلادی) خطاب به «صوم فرقه های حریت پرست روسیه و عثمانی و سایر ملل دنیا» از جانب «فرقه اجتماعیهون عامیون» ایرانی مقیم قفقاز (سوسیالدمکراتها) چاپ شده است. تاریخ خود اعلامیه ۲۸ دبچمه است. و اینک بخش کوتاهی از آغاز آن:

درفقا! دوستان! در اولا درجه اندوه و ناامیدی شما را خبر می دهیم و از یک واقعه ملالت انگیز مستحضر می سازیم. طفل مشروطیت ایران که بمجاهدات حریت پرورانه فدائیان، تازه قدم به عرصه وجود گذاشته، بواسطه حرکات و حشیانه مستبدین ایران در هلاکت و خطر است. گرچه حکومت مستبد ایران در مقابل فرقه مجاهدین ناچیز و ضعیف است، ولی چه باید کرد که ایان برای مطلوبیت و شکست فقر و دشمنای مشروطه خواه با حکومت های ظالمه همجوار همسند شده و از آنان معاودت و کمک می خواهند. همان طوری که در زمان شورش ملی فرانسه حکومت مستبده همسایه به حمایت مستبدین فرانسه برخاستند، بینهمان نقشه در ایران فراهم و برای جلوگیری و انقای مشروطه خواهان و آزادی طلبان از دولتین روس و عثمانی مدد می طلبند و دست بیکدی کرده، دربرهم زدن این اساس مقدسی می دارند....

حال بسراغ برخی از چهره های برجسته این دوران بپردازیم طرز مدیوم و می گوئیم بیشتر به ارائه آثار بپردازیم چرا که در این فرست کم معرفی نویسندگان و شاعران ممکن نیست. درضمن لازم به توضیح است که نقل این آثار یعنی تأیید دیدگاه نویسنده یا شاعر نیست تنها برای آشنائی با مسائل آن زمان است. ممکن است دربرخی از آثار نقل شده مطالب به شکل درست طرح نشده باشد یا با شرایط زمان حاضر تطبیق نکند.

کارگر در مجلس اعیان

کارگر در مجلس اعیان؟!
از: میرزا علی اکبر طاهرزاده صابر (۱۹۱۱ - ۱۸۶۲) شاعر بزرگ قفقاز. ترجمه منظوم از: احمد شفا ای کارگر، آیا شمری خوشتر از انسان؟ انسان شدن ای لات، نسهل است و نه آسان. هر کس بود انسان، بودش جاه و جلالتی هر کس بود انسان، بودش مال و منالی. همت بکناری بودش، منزل عالی. این کلیه منخروبه میندار تو سامان انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان! بیخود شده ای قاطی در مجلس اعیان. بنشین و مشو داخل در صحبت آنان. جایز نبود صحبت انسان و فقیران.

با اهل فنا نیستی ای لات، تو یکسان! انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان! داده است بعت و توانگر که مساوات؟ دارند هم از شکل و هم از اصل منافات. بی پول چگونه بعت فضل خود اثبات؟ این منتع آیا بودت قابل امکان؟ انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان!

چکش زن و وزاننده منه پای فراتر. گفته اند مساواتی، در حد مقرر، آخر ز چه بابت تو شبیهی به توانگر؟ روزانه یک عیاسی است مزد تو نغمیلیان! انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان! چون هست زر و سیم، شرافت بود از ما، املاک چو داریم، ایالت بود از ما، عدلیه ز ما، صدر حکومت بود از ما، کشور به خیالت مگر از نو شده خان - خان؟ انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان!

(این شعر در ۱۹۰۷ - کمی بعد از صدور فرمان مشروطه در ایران - سرود شده است)
دروس الاشیاء
از: «چرند و پرند» دهخدا

دروس الاشیاء

(شماره ۲۵ روزنامه صوراسرافیل، صفر ۱۳۲۶ ه. ق.، دوسال پس از صدور فرمان مشروطه)
ننا - جان! - این زمین روی چه؟ - روی شاخ گاو. گاو روی چه؟ - روی ماهی - ماهی روی چه؟ - روی آب. - آب روی چه؟ - وای وای! الهی روت بیره، چند حرف می زنی، حوصله سرفرت. آفتابه لکن شش دست شام و ناهار هیچی! گفت نفور، هل و خریزه باهم نمی سازند، نشنید و خورد، یک ساعت دیگر یارو را دیدم مثل مار به خودش می پیچد، گفت نکندت نفور، این دوتا باهم نمی سازند. گفت حالا که این دوتا خوب باهم ساخته اند که من یکی را از میان بردارند!!! من می خواهم اولیای دولت را به عدل و رؤسای ملت را به بزرگی تشبیه کنم، اگر وزارت علوم بگوید توهین است، حاضرم دیوت و پنجاه حدیث در فضیلت خریزه و یکصد و چهل و نه حدیث در فضیلت هل شاهد بگردانم. صاحبان این جور خیالات را فرنگیها «آثارشیت» و مسلمانها خوارج می گویند، اما شما را به خدا حالا دست خوبی نصیبید یعنی من، خدا پدرتان را بیامرزده، من هر چه باشم دیگر آثارشیت و خوارج نیستم.

من هیچ وقت نمی گویم برای ما بزرگتر لازم نیست، میان حیوانات بیزبان خدا هم شیر پادشاه دوندگان است و به صریح عبارت شیخ صدی، سیاهگوش هم رئیس الوزرات بلکه درازگوش هم رئیس کشیکخانه باشد. میان میوه ها هم گلابی شاه میوه است و کلم هم شاید یک چیزی باشد و اگر مشروطه هم به بنیادت سرایت کرده باشد که سببزمینی لابد... (چهره عرض کنم که خدا را خوش بیاید) باری برویم سر مطلب.

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و دیگر



### اعتصابات کارگری دولت استرالیا را با خطر سقوط روبرو کرده است

بند از دوام اعتصابات معدنی کارگری در استرالیا، مبارزات کارگران وارد مرحله نوبی شده است و دولت «مالکوم فریزر» را با خطر سقوط روبرو کرده است. اعتصابات اکثر صنایع و معدن... را فرا گرفته و تاکنون شریات زیادی با اقتصاد استرالیا وارد کرده است و تنها اعتصاب ده هفته‌ای ۲۵۰۰ کارگر معدن سنگ آهن «پیلبرا» (ناحیه غربی استرالیا) ده میلیون تن به صادرات استرالیا که دومین کشور صادرکننده سنگ آهن است ضرر زده است. خواستهای کارگران معدن اضافه دستزد چهل درصدی و بهبود شرایط کار و زندگی است. دولت برای مواجهه با اعتصابات کارگران

بند از دوام اعتصابات معدنی کارگری در استرالیا، مبارزات کارگران وارد مرحله نوبی شده است و دولت «مالکوم فریزر» را با خطر سقوط روبرو کرده است. اعتصابات اکثر صنایع و معدن... را فرا گرفته و تاکنون شریات زیادی با اقتصاد استرالیا وارد کرده است و تنها اعتصاب ده هفته‌ای ۲۵۰۰ کارگر معدن سنگ آهن «پیلبرا» (ناحیه غربی استرالیا) ده میلیون تن به صادرات استرالیا که دومین کشور صادرکننده سنگ آهن است ضرر زده است. خواستهای کارگران معدن اضافه دستزد چهل درصدی و بهبود شرایط کار و زندگی است. دولت برای مواجهه با اعتصابات کارگران

### اعتصاب کارگران حمل و نقل در ایتالیا

کارگران حمل و نقل و شرکت نفت ایتالیا روز ۵۸۵۸۱۱ دست به یک اعتصاب سه روزه زدند. در نیمه این اعتصاب حمل و نقل وسوخت جت به فرودگاهها و پس از آن با شورش روبرو شد. و در فرودگاه رم نیز کارگران شرکت نفت ایتالیا از دادن سوخت به هواپیما ها خودداری کردند. کارگران ایتالیایی خواهان انعقاد یک قرارداد جدید کارگری هستند.

### اعتصاب باراندازان استرالیا

در (۵۸۵۸۹) هزار اعتصاب باراندازان بنادر استرالیا فعالیت کنش‌رانی در این کشور بحال توقف کامل درآمد. این اعتصاب روزانه ۱۵ میلیون دلار خسارت مالی به دولت استرالیا وارد میکند. علت اعتصاب اخراج غیر قانونی ۲۲ تن از باراندازان در غرب استرالیا است.

### اعتصاب عمومی در بولیوی

علت این اعتصاب یکروزه اعتراض به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری بود. نظر به اینکه هیچکس از سه نامزد ریاست جمهوری بولیوی در انتخابات اول ژوئیه این کشور اکثریت قاطع را به دست نیاورده است کنگره بولیوی باید در مورد اینکه کدامیک از نامزدها باید رئیس جمهوری کشور شود تصمیم نهایی را خواهد گرفت.

پلیس بولیوی در روز ۵۸۵۸۱۲ بوسی هواداران یکی از نامزدهای ترقی‌خواه ریاست جمهوری این کشور در تریپکی فرودگاه بین‌المللی لاپاز آتش گشود و در نتیجه یک تن کشته و بیش از بیست تن زخمی شدند. این تیراندازی در پایان اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته روز ۵۸۵۸۱۱ که از طرف سازمان مرکزی کار که بزرگترین گروه اتحادیه‌های کارگری است اعلام شده بود صورت گرفت.

### کشتار و بازداشت اعتصاب‌کنندگان توسط پلیس دومینیکن

داشند آتش گشود. در نتیجه در این زبوجورد ۷ تن کشته و ۲۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. و پلیس سانتا دومینگو نیز اعلام کرد ۵۰۰ تن را بازداشت کرده است. با افزایش قیمت هر گالن بنزین در دومینیکن یک دلار ۸۵ سنت شد.

سندیکاهای رانندگان شهری در جمهوری دومینیکن بعنوان اعتراض با افزایش ۲۸ درصدی بهای بنزین، از ابتدای روز ۵۸۵۸۱۱ مردم را به یک اعتصاب ۲۸ ساعته دعوت کرد. در جریان این اعتصاب پلیس و ارتش بوسی گروه‌های تظاهر کننده که قصد پیکارهای اعتراضی با افزایش نرخ بنزین و نفت را

بقیه از صفحه ۶

### هر گونه خیانتی به مردم از جانب...

های جدید منتقد می‌کند، تصب‌آور مهنیت که چرا به قوانین دادرسی ارتش متوسل می‌شود. داستان ارتش، پرسنل انقلابی و سایر نیرو های انقلابی را تهدید می‌کند. برای مردم این شوال مطرح است که پس فرق این رژیم با رژیم گذشته چیست؟ در گذشته اگر کسی اعتراضی می‌کرد که چرا با امپریالیسم فرار دادهای نظامی بسته می‌شود و چرا قراردادهای چند میلیونی خرید اسلحه امضا می‌شود جزایش اعدام و زندان بود. و امروز نیز داستان ارتش به مردم می‌گوید که اگر صدایشان برآید محکومیت‌های طولانی مدت در انتظار آنهاست. اما داستان ارتش باید این واقعیت را درک کند که مردم ما مبارزهای خونین را پشت سر گذارده‌اند و در این میان سطح آگاهی آنها بسیار بالا رفته است، آنها دیگر زجر بار این تهدیدها نمی‌روند، ما منتقدیم که اطلاعاتی داستان ارتش توسط طوطی‌های خلق و بویژه پرسنل انقلابی است. ما منتقدیم که هرگونه خیانتی به مردم از جانب هر که باشد باید افشا شود و هر سندی که بر علیه منافع خلق تنظیم شده باشد، باید مردم از آن آگاه گردند.

نتانده و خدمتگزار شاه مزدور بودند و از این روست که مردم قوانینی را که در چنین مجلسی تصویب رسیده معتبر نمی‌دانند. پس چگونه دولت بخود جرات می‌دهد و دستگرا نه ترین قوانین رژیم گذشته یعنی قوانین دادرسی ارتش را معتبر اعلام می‌کند. ما شوال می‌کنیم که مگر رژیم گذشته این قوانین را برای سرکوب توده‌های مردم وضع نکرد و باستان قوانین دادرسی ارتش هزاران نفر از بهترین فرزندان خلق را روانه میدانهای تیر و زندان های خود نکرد؟ پس چگونه است که پس از سرنگونی رژیم باید قوانین ضد خلقی آن همچنان معتبر باشد و داستان ارتش به قوانینی استاد کند که در اوج دیکتاتوری رژیم پهلوی یعنی در سال ۵۳ به تصویب رسیده است. طبیعی است هنگامیکه دولتی از انضای اسناد محرمانه، از انضای قراردادهای اسارت بار و از انضای زد و بندهای خود با امپریالیسم نگران است، باید هم که برای جلوگیری از انضای آنها قوانین رژیم گذشته را علم کند. وقتی که دولت بازرگان برخلاف خواست مردم محرمانه باقیاء قراردادهای رژیم گذشته با امپریالیسم آمریکا می‌پردازد و یا قرارداد

### تاریخچه جنبش کارگری جهان اولین حکومت کارگری جهان (کمون پاریس) قسمت چهارم:

### مارکس و انگلس مدافعان سرسخت کمون پاریس



آموزگار و کمونیست مارکس در اولین بیانیه خود درباره حکومت کارگری چنین گفتند: «طبقه کارگر فقط بوسیله سرنگون کردن سرمایه داران با نیروی اسلحه‌می توانست قدرت را بدست گیرد».

پیروزمندهاش در نابود کردن قلمی تیر رئیس دولت بورژوازی فرانسه که در ورسای بکمین نشسته بود، همه راهزنان ورسای تشویق میکرد. او عقیده داشت که برای از بین بردن اتزوی کون پاریس، باید سرما در خارج از شهر پاریس همچین در سایر کشورها به کار توضیحی و تبلیغی دست زد. مارکس همچین به کون اصرار میکرد که انقلاب را بنحوی در روستاها اشاعه دهد، با دهقانان متحد شده و آنان را به مبارزه بکشاند. او بویژه بر لزوم مبارزه با بانک فرانسه بنظور قطع منبع اقتصادی مرجعین اصرار داشت. مارکس همچین تا آنجا که مقصور بود اطلاعاتی را در خصوص ارتباط مغفیب پروس و ورسای فراهم می‌کرد و در اختیار رهبران کون می‌گذاشت. او کون را به تقویت مواضع دفاعی خود تشویق کرد و نیز از مذاضات کون خواست تا فریب دروغهای دولت پروس را که ادعا داشت در دعوی پاریس - ورسای بیطرف خواهد ماند، تصورند. جای تاسف است که رهبران کون نتوانستند این رهنمودهای بسیار ارزش مارکس را بدرستی بکار بندند. کون پاریس صفتا توسط پلانکیست‌ها و پرودونیست‌ها که هیچکدام آنها مارکسیست نبودند رهبری میشد. بیانی اعتقادی پرودونیست ها، آنان را به مخالفت با هرگونه «دیکتاتوری» وادار میکرد. آنها متفق بودند که دشمنان را باید با «نیکی و احسان» برای راست هدایت کرد. از سوی دیگر پلانکیست‌ها امیدوار بودند میتوانند سوسیالیسم را از طریق فعالیت های ترویجی و مخفیانه یک مشت افراد و بدون شرکت توده‌ها، تحقق بخشند. پلانکیست‌ها و پرودونیست‌ها عقاید یکدیگر را رد میکردند. پرودونیست‌ها جزوای منتشر کرده و برده از اختلافات در درون کون برداشتند. مارکس

در سه شماره گذشته اعتلای جنبش انقلابی فرانسه را در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، قیام کارگران پاریس و استقرار اولین دولت کارگری جهان و دستاوردهای این دولت انقلابی و حمله ارتجاع به کون پاریس و دفاع قهرمانانه طبقه کارگر و زحمتکشان پاریس از انقلاب خود و سرانجام شکست کون را بررسی کردیم. در این شماره به موضوع گریها و حمایت های مارکس و انگلس از کون پاریس می پردازیم:

مارکس و انگلس آموزگاران بزرگ پرولتاریا که توجه زیادی به جنبش کارگری فرانسه داشتند، از نزدیک جریان قیام پاریس و تشکیل کون را متقیب کردند. مارکس که در آن زمان در لندن به حال تبعید بسر میبرد، تمام هم خود را متوجه این نبرد عظیم انقلابی کرده بود.

در پاییز سال ۱۸۷۰ میلادی (۱۲۴۹ هجری شمسی) مارکس بارها به کارگران پاریس توصیه کرده بود: مادامیکه شرایط به حد کافی مساعد نشده است از دست زدن به قیام مسلحانه خودداری کنید. اما زمانی که در مارس ۱۸۷۱ (۱۲۵۰ ه - ش) پرولتاریای فرانسه بتفنگ بیست گرفت و با یک ارتزی انقلابی و سرکش برای تسخیر قدرت به حرکت درآمد. مارکس فاصله از انقلابیون حمایت کرد و به کون پاریس کمکهای فراوانی کرد. وی با شورو شغ و صفتا پیروی در این باره نوشت: «چه نرمش، چه ابتکار تاریخی ارزشمندی وجه از خود گذشتگی بکوشند تا تاریخ نمونه دیگری با چنین عظمتی به خاطر نماند.» تولد کون پاریس، بورژوازی جهانی را سخت به وحشت انداخت. این بورژوازی کمنر با سلاح «انضاد مقدس» ضد انقلابی متحد شده بود، تمامی دستگاه تبلیغاتی را برای انتشار انواع شایعات بی اساس بنظور ایجاد وحشت در میان مردم بکار انداخت و در سطح جهانی شدت کون را مورد حمله قرار داد. مطبوعات بورژوازی آلمان، آمریکا و انگلستان کون را متهم کردند که «حکومت ترور» ایجاد کرده است. سزار الکساندر امپراطور روس در حالیکه در ظاهر «صلح» بین فرانسه و پروس را توصیه میکرد و می کوشید نقش میانجی را در منازعات بین این دو کشور بعهده بگیرد، طرفین را به ایجاد تنام برای سرکوبی کون پاریس تشویق می کرد.

مارکس و انگلس که سیمانه حمایت از مبارزات انقلابی کون پاریس را بعهده گرفته و دفاع سرسختانه از قدرت نوین انقلابی در پاریس را وظیفه خود میدانستند، در مقابل این حملات کینه توزانه دشمن طبقاتی در داخل و خارج فرانسه، بیاختند. آنها در حد امکان و با تمام قوا برای بسیج هواداران کون پاریس و حمایت موثر از آن، از راه دور به اقدامات مهمی دست زدند. آنان از طریق «نشورای عمومی بین الملل اول کارگران» نامه های متعددی برای شبات متعدد بین الملل در کشورهای مختلف ارسال داشته و ضمن تشریح ماهیت پرولتاری قیام پاریس دولت کون و اهمیت تاریخی آن، از کارگران همه کشور های جهان خواستند تا به یاری کون پاریس بشتانند. مارکس و انگلس مقالاتی در مطبوعات کشورهای مختلف انتشار داده و در آن چهره واقعی انقلاب پرولتاریایی پاریس را نشان دادند و تمحها و دروغ پردازیهای بورژوازی جهانی را افشاء کردند.

تا زمانی که کون پاریس وجود داشت، مارکس از نزدیک جریان انقلاب را متقیب میکرد و راهنماییهای موثری در زمینه جهت گیریها و حرکتیهای کون ارائه میداد. او بیکنهایی را برای تماس با کون و ارائه رهنمودهای منتیم و گرفتن اطلاعات دست اول به پاریس روانه میکرد. این رهنمودها شامل تاکتیک مبارزه، تکنیکهای نظامی و همچنین تدابیر اقتصادی - اجتماعی بود، که باید اتخاذ میشد. وی کون را به ادامه پیشروی

### توضیح در باره مقالات ترویجی اقتصاد سیاسی و درباره حزب

از آنجا که صفحات نشریه کار محدود است و از آنجا که اخبار و گزارشات کارگری و دهقانی و همچنین افشاکاریها و تفسیرهای سیاسی رزنامه بعدلایل اهمیتی که دارند و بعدلایل طبیعت نشریه که در درجه اول چاپ چنین مطالبی است، می باید قطعا در همین نشریه به چاپ برسند، ناچار بودیم از چاپ برخی از مطالب ترویجی در نشریه خودداری کنیم. از همین رو هیئت تحریریه نشریه تصمیم گرفت از این پس اقتصاد سیاسی را که مطلبی عام به حساب می آید، بطور جداگانه و یا در نشریه نبرد خلق به چاپ رساند. در ضمن مطلب درباره حزب از چند شماره آینده بطور مرتب ادامه خواهد یافت.

### زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

بقیه از صفحه ۲

### ادبیات مشروطه هنوز تازگی دارد!

حمت کرده به فکر فترا می افتند انشاء الله. مملکت از دست نبرود انشاءالله...

#### شعر از نسیم شمال (سید اشرف الدین)

اشرف از این پیش جبارت مکن  
با همه خلاق منم خصم و ضد  
مستبدم مستبدم مستبدم  
مطربکا، خیز و بزنجنگ و رود  
دولت اگر رفت، به تخم رنودا  
میخورم از خون رعیت شراب  
هیچ ترسم ز عذاب و عقاب  
من چه کنم خصم شده تر نماغ  
زیر و زیر شد همه سواجبلاغ  
رفت ارومیه خراسان بس است  
هیچ نباشد خود طهران بس است

#### مثل شاه مخلوع!

نقل از روزنامه بهلول، شماره ۱۶، سال ۱۳۲۹ ه. ق. (پنج سال پس از مشروطه)  
بمدریت شیخ حسن  
گویند که دسته ای ز جهال  
تا مثل زمان شاه مخلوع  
باشند امیر دست قزاق  
بر گردنشان بهد حکومت  
مشروطه طلب کنند توقیف  
در ضمن به فرقه دموکرات  
بهلول گراین سخن پذیرد  
فرضا که بوند چون بهایم  
عاقل نکند تصور ایراک!

#### دود و کلک انتخابات!

(در انتخابات دوره سوم، سال ۱۲۸۹ شمسی)  
از: ملک الشراة بهار.  
ماه مشروطه در این ملک طلوعیدن کرد  
انتخابات دگر بار شرویدن کرد  
شیخ در منبر و محراب خوشیدن کرد  
حقه و دوز و کلک باز شیوعیدن کرد  
وقت جنگ و جدل و نوبت فحش و کلک است  
انتخابات شد و اول دوز و کلک است  
این و کالت نه به آزادی و خوش تعلیمی است  
نه به دانش تاریخ و حقوق و شیمی است  
بلکه در تنبلی و کم دلی و پیری است  
یا به پوتین و کلاه و فکل و تعلیمی است  
یا به تبیج و به صامه و تحت الحک است  
انتخابات شد و اول دوز و کلک است  
حضرت آقا! خوش باش که فالت فال است  
از زر و سیم دگر جیب تو مالامال است  
هر که آقا است، نکو طالع و خوش اقبال است  
که نمایندگی مجلس و قیل و قال است  
گاو میر آخور و بیرونی و چوب و فلک است  
انتخابات شد و اول دوز و کلک است  
طرفه عهدیت که هر گوشه کنی، روی فراز  
گله زندان بیسی همه با عثوه و نواز  
نه ادارات میراست نه محراب نماز  
هر که دزدت بهر جای بود محرم راز  
هر که زدنی نکند همر خسار و خشک است  
انتخابات شد و اول دوز و کلک است

#### سانسور اشعار فرخی یزدی در «بهار آزادی»!

حنا ترانه زیبایی را که با استفاده از غزل مروف فرخی یزدی «آن زمان که بنهام سر بهای آزادی» ساخته شده است شنیدم ولی شاید ندانید که در «بهار آزادی» ما دوبیت از این غزل سانسور شده است. البته از طریق همان «خود سانسوری» که شرایط به غالب هنرمندان تحمیل می کند. در اینجا ما متن کامل این غزل را که شرایط زمان خود او را توصیف می کند چاپ می کنیم:  
آن زمان که بنهام سر بهای آزادی  
تأمیر بدست آرم دامن و سانسور را  
با عوامل تکفیر صف ارتجاعی باز  
در محیط طوفان زای، ماهراندر جنگ است  
شیخ از آن کند اصرار بر خرابی احرار  
چون بقای خودینند در فتنای آزادی  
می توان ترا گفتن پیشوای آزادی  
فرخی ز جان و دل می کند در این محفل  
دل تثار استقلال، جان فدای آزادی  
بهی از یک غزل دیگر فرخی یزدی در رابطه با انتخابات مجلس:  
هیچ چیزی نیست کاندر قبضه اشرف نیست  
گر و کالت هم فتنه در چنگشان انصاف نیست  
شاه و دربار و وزارت عز و جاه و ملک و مال  
هیچ چیزی نیست کاندر قبضه اشرف نیست  
بسکه از سرمایه داران، مجلس ما گفته بر  
اعتبارش هیچ کسم از دکه صراف نیست  
پوستش با داس برکن با چکش مغزش بکوب  
هر توانگر را که با ما قتب قلبش صاف نیست  
حرفه و زحمت جو اوصاف وکیل ملت است  
بگذر از هر کسی که او دارای این اوصاف نیست  
و سرمایه اینهم یک رباعی وصف حال از فرخی یزدی:  
چون مرتجعین آلت نیرنگ شدند  
القاص بنام حفظ اسلام ز کفر  
یکدمه ز روی سادگی رنگ شدند!

### بر خلق ستمدیده بلوچ چه می گذرد؟



و ابستگی کشور به سرمایه داران خارجی است  
و ناگزیر است مراکز قدرت و سرکوب را  
احیاء نماید.  
کیت که ماهیت خانها و عوامل مزبور  
را که سالها عامل سرکوب بودند، نداند، فقط  
آنها که نتوانند در زمان و فقر و سرکوبی  
مردم تأمین می شود، هستند که برای همه  
جایز چشم می پوشند.  
نابود باد جبهه سازشکاران با مرتجعین  
برقرار باد پیوند واقعی خلقهای ایران  
«دانشجویان پیشگام بلوچستان»  
۱۳۵۸/۵/۱۵

دامه میشود که در حیطه تسلط خود امنیت  
منطقه را که در واقع جباور و سرکوبی مردم  
است، بهیله بگیرند.  
در چهار بهار و کنارک، هر یک از تفنگداران  
و مزدوران وی ماهیانه ۱۵۰۰ تومان از دولت  
مزد و ۱۵۰۰۰ تومان باج و مالیات منظم از مردم  
میگیرند. حتی زاندا، امری ایرانی، «نفر»  
در اختیار شیرانها گذاشته و چراغ خان با  
حلیکو پتر هنگ زاندا امری مناطق زیر حکومت  
خود را کنترل مینماید.  
کازرونی، فرمانده کل ناحیه زاندا امری  
استان، در زمان شاه فرمانده هنگ ایرانی  
بوده که در دزدی با قاچاقچیهها و خوانین  
همدمت شده ولی در یک دزدی ۸۰۰ هزار  
تومانی لو می رود و از دستش در ایران  
برکنار می شود. ایشان بهرکت انقلاب و روی  
کار آمدن دولت به اصلاح انقلابی آقای  
بازرگان برگردانده شده و فرمانده کل ناحیه  
زاندا امری میگردد.  
به پشته و دگرگرمی چنین نمایندگان  
انقلابی دولت است که در (رامک) از دعوات  
اطراف فتوح، اصطخران داماد محمد خسان  
میرلاشاری به فکر احیای روابط خانمانی می  
افتد و مبلغ ۱۸۰ هزار تومان مالیات غصب  
افتاده دوره شاه را از دهقانان می گیرد و به  
گفته خود (که اگر شاه برود مالیاتهای غصب  
افتاده را می گیرم) عمل می کند. اصطخران  
از مردم ده که حدود ۱۰۰ خانوار می باشند  
برای ساختن قلعه خانی خود بیکاری می کند  
و بپیشمی را به آن حد می رساند که دهقانان  
را مجبور میکند برای آنکه خشتهای سنگام  
حمل به بالای تپه نشکنند آنها را بر دوش  
خود حمل کنند.

بقیه از صفحه ۱

### درباره وسائل ایمنی کار

فرستاده و وسایل را بین کارگران تقسیم  
و بقداری را نیز در انبار شرکت میگذرانند.  
کارفرما و مهندسین شرکت تمام تلاش خود را  
بکار میبرند که به کارگران و کارمندان  
بقیولاند که این حادثه در ساعت ۷:۵۵ یعنی  
قبل از شروع کار اتفاق افتاده است و به این  
ترتیب ثابت کنند که شرکت مسئولیتی ندارد.  
کارفرما برای تجهیز کارگاه و از جمله تهیه  
وسایل ایمنی ۴ میلیون تومان از خانه سازی  
گرفته که تمامی را به جیب زده است.  
بشود عمل کارفرمایان در دو مثال فوق و  
تمامی این نوع حوادث یکسان است. حد  
اکثر تلاش برای منته کردن و به مسئولیت  
جلوه دادن خویش، و در باره کارگران  
بهی احتیاطی و سهل انگاری و به مسئولیت  
جلوه دادن آنها، و در این راه از بیشترین  
کارها که دو مورد بالا ذکر شد کوتاهی  
نمیکند.  
این کوشش سرمایه داران تنها بدین خاطر  
است که از پرداخت غرامت که تنها ندرای از  
دستریح کارگران است به کارگر ستمدیده  
خودداری کنند.  
در نظام سرمایه داری کسب سود بیشتر و  
استثار هر چه بیشتر هدف سرمایه داران است.  
این سودجویی سرمایه داران با ایجاد شرایط  
مناسب محیط کار و تهیه وسایل ایمنی و غیره  
در تقاضای فراتر میگیرد.  
بنا بر این شرط خود کارگران هستند که  
باید با تشکیل در سندیکاهای واقعی حداکثر  
تلاش خویش را برای مجبور کردن سرمایه  
داران، ایجاد شرایط مناسب محیط کار و تهیه  
وسایل ایمنی و غیره بنمایند.

بقیه سرمقاله

### نتیجه انتخابات بیانگر نفرت و بیزاری...

خودشان هم متول شمارش آرا و اعلام نتایج البته نتیجه هم از پیش معلوم بود.  
اما با همه اینها گردانندگان انتخاب و مسئولان امر شکست بزرگی متحمل شدند  
شکستی که حکایت از آگاهی روزافزون توده ها و اتحادی حمایت انصار طبیان دارد. مردم  
استقبال آن چنانی از انتخابات نکردند و حتی بنا به آمار دولت کمتر از نصف رای دهندگان  
در انتخابات شرکت جسته. آمار انتخابات بیانگر نفرت و بیزاری روز افزون توده ها از  
احیای روابط گذشته و از سیاستهای انصار طبیان است. این آمار نشان میدهد که نمایندگان  
مجلس خبرگان، تازه بعد از همه تبلیغهای پنهان و آشکار فقط می توانند مدعی شوند که نماینده  
اقلیت مردم هستند، چرا که اکثریت مردم از آنها پشتیبانی نکرده اند. پرواضح است که قانون  
اساسی که باید با شرکت نمایندگان همه مردم تدوین شود نمی تواند بدست گروهی که تازه  
پس از این همه تقلب به عنوان نماینده اقلیت از صندوقها بیرون آمده اند تدوین و تصویب  
شود.

### پس از حمله وحشیانه و ضرب و جرح هفت هوادار سازمان را بازداشت کردند

امیدیه اهواز - روز شنبه ۵۸۴۲۳۳۳ چند  
نفر از فرزندگان و همسران روزنامه  
کار در امیدیه مورد حمله گروهی از اوباش  
و چاقوکنان قرار گرفته و مجروح شدند.  
مجروح شدگان برای شکایت به کمیته مسجد  
جامع مراجعه می کنند اما بعضی ورود مستقیم  
می شوند. نفر سوم نیز که بطاهر جراحاتش  
قرار بود توسط مأموران کمیته به بیمارستان  
منتقل شود سر از بازداشتگاه در می آورد.  
فردای ۴ تیروز ۴ نفر دیگر از هواداران  
سازمان که قبلاً شناسایی شده بودند مستقیم  
می شوند. بنیال مستگیری. این رفقا مأموران  
کمیته شباهت هفت نفرشان را به کمیته میانگوه  
منتقل کرده و در آنجا آنها را تحت فشار  
و تهدید قرار می دهند. مأموران کمیته زمانی  
که قصد داشتند مستگیرشدگان را به اهواز  
منتقل کنند با مقاومت آنها روبرو شده و  
بالاخره مجبور می شوند چهار نفر از مهاجران  
را بنام شیرالی - راکه پور - هوشمند -  
ابوالحسنی (که سابقه طولانی در دزدی،  
و پخش مواد مخدر دارند) مستگیر کنند اما  
پس از انتقال رفقا به اهواز «ستارسان»  
دانشان وقت انقلاب اسلامی اهواز حکم  
زندانی کردن آنها را صادر می کند و سپس  
به زندان کارون منتقل می شوند. همزمان با این  
انتقال مهاجرین نیز آزاد می شوند.  
هفت نفر هواداران سازمان طی نامه ای از  
محیط هفتان آور ز زندان شکایت می کنند. ولی  
مسئولان زندان برخلاف تمام موازین زندانبانان  
زخمی را معالجه نمی کنند و حتی از دادن  
وسایل اولیه به آنها نیز خودداری  
می کنند و یک نفر ساواکی را برای تحت  
فشار قراردادن آنها به سلولشان می فرستد.  
بر اساس آخرین خبر رفقای تا تا یک هفته پیش  
در زندان بوده اند و ما هنوز خبری کماکی  
از آزاد شدن آنها باشد دریافت نکرده ایم.

### توضیح در مورد يك خبر

در شماره ۲۱ روزنامه کار مورخ ۱ مرداد  
۵۸ خبری تحت عنوان «موقفیت کارگران  
شرکت باجستانی فرکاره درج شده بود.  
در خبر مذکور اشتباهات سخالت زاندا امری  
و استفاده از جوب و چاق برای برآکدن  
کارگران ذکر شده بود که بدینوسیله تصحیح  
می شود.

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

گزارشی از:

مبارزات کارگران  
شرکت حفاری ایران ردینگ اندیتس



طبق طرحی که از طرف شرکت نفت اعلام شده است، قرار است کلیه شرکت های حفاری چاه های نفت تعطیل شود و تنها شرکت سدید ایران با ۶ دکل چاه کار خود را ادامه خواهد داد. جمع کل کارگران این شرکتها در حدود ۲۷۰۰۰ نفر می باشد. تاکنون دو شرکت نفت و پتروشیمی برون وستانی تعطیل شده است و با توجه به این که از طرف صاحبان امپریالیستی این شرکتها و شرکت نفت هیچ وجهی پرداخت نشده است کلیه کارگران این دو شرکت اخراج خواهند شد. می آنگون کارگران مبارز شرکت های حفاری در برابر اخراجها، مبارزه گسترده ای را آغاز کرده اند و خواستار ملی شدن کلیه شرکت های حفاری و استعمار رسمی خود در شرکت نفت شده اند. در زیر گزارش میخوانید از مبارزات کارگران شرکت ردینگ اندیتس. کارگران اصلی شرکت ردینگ اندیتس که علیات سفر چاه را بر عهده داشته در سرچاهها میباشند. تعداد کل کارکنان این شرکت ۶۵۱ نفر ایرانی است. قبل از قیام ۶ چاه شرکت کار می کرد اما تا ۵ تیر تنها دو چاه آن کار می کردند، اکنون پس از یازده سال منقض شده است که سه چاهی که در اختیار شرکت بوده و متعلق بود که متعلق به شرکت نفت است، صاحب آمریکائی شرکت آنها را از طریق بانک توسعه منابع و منابع خرید است کارکنان شرکت از لحاظ حقوق در یک طبقه وسیع از ۳۵ تومان در روزگرفته تا حدود ۱۰۰۰ تومان (برای کارمندان بالای شرکت) حقوق می گیرند. نحوه کار کارکنان بدین نحو بوده است که دو هفته تمام روزی ۱۲ ساعت کار کنند و یک هفته استراحت نمایند. شدت و سختی کار توان کارگران را از آنها گرفته و ضعیف ساخت می شود. اکثر کارگران شرکت حفاری اهواز در شهرتای زندگی می کنند و خارتگران خارجی هیچگاه سستی نکردند که در نزدیکی محل کار کارگران یا در اهواز برای آنها مسکن تهیه کنند.

سوابق مبارزاتی کارگران حفاری شرکت ردینگ اندیتس در سالهای گذشته که رژیم دیکتاتوری شاه هرگونه حرکت کارگری را با شدت سرکوب می کرد کارگران حفاری برای دستیابی به خواستهای سنی خود دست به چند اعتصاب زدند. در سال ۴۹ کارگران چاه ۵۹ سدکو دست به اعتصاب زدند و خواستار برآوردن شدن خواستهای سنی خود شدند. علی رغم تهدید ساواک و کارفرما به دستگیری کارگران اعتصاب همچنان ادامه یافت. ساواک ده نفر از کارگران را بازداشت و سپس اخراج نمود. اما بر اثر مقاومت کارگران شرکت مجبور شد دو ساعت اضافه حقوق را بقبول کند. در اواخر سال ۵۲ کلیه کل شامان و جفاران چاه های ردینگ اندیتس دست به اعتصاب زدند اما مقاصد شرکت با استفاده از تمام امکانات سرکوب و اخراج نوینر بناهای برزو و کلانتر اعتصاب را در هم شکستند. بهترین اعتصاب کارگران ردینگ در اوائل بهرام ۵۷ بود. در این اعتصاب توسط نمایان مدیران برای درهم شکستن اعتصاب، پلست وحدت و یکپارچگی کارگران در هم شکست و شرکت مجبور شد که خواستهای سنی کارگران از جمله حق مسکن از ۲۷۰ تومان به ۶۰۰ تومان و ۲۵۰ درصد اضافه حقوق و... را بپذیرد. پس از آن دوران حکومت نظامی امپوز کارگران چاه ۶۵ دست به اعتصاب سیاسی زدند و با کارگران شرکت نفت و مملکت کتور تا پیروزی نهایی اعلام هیستکی کردند. پس از سرکونی رژیم شاه تنها دو دکل شرکت شروع به کار کردند که در این مدت ۵ چاه نفتی را آماده کردند. در همین اوان رژیم اخراج و تعطیل شرکت بگوش کارگران رسید. کارگران چاه های ۵۷ و ۵۸ با انتشار اعلامیه های هرگونه توطئه بر علیه کارگران را محکوم کردند و خواستار استخدام رسمی در شرکت نفت و سالی شدن چاه های نفت شدند. اما دستور شرکت نفت تنها یک چاه به کار ادامه داد و بقیه کارگران بیکار شدند. در روز دوشنبه ۴ تیر تمام کارگران دربار جمع شدند. آنها پلاکاردهای با خود حمل می کردند که پرروی آنها نوشته شده بود: «اتحاد کارگران تنها راه مقابله با بیکاری و امپریالیسم است»

روابط غارتگرانه شرکتهای تعاونی روستائی باید از بین برود

بقیه از صفحه ۸

برای روشن شدن ماهیت این اسانامه کافی است به بررسی چند ماده که بر اساس آن وام توزیع میشد، بپردازیم: ماده ۵- از آئین نامه معاملات اعتباری شرکت های تعاونی روستائی بمنظور تقویت بنیه مالی و توسعه امور شرکت در برابر یکپارچگی ریال وام نقدی و یا مبالغ کمتر از آن صادر یک سهم از سهام شرکت بنام وام گیرنده کسر میگردد. با این حساب شرکت تعاونی علاوه بر بهره بانکی ۶ درصد هم چنین ۵ درصد نیز بعنوان افزایش سهام یعنی مجموعاً ۱۱ درصد در موقع پرداخت، از مبلغ وام کسر میکند. علت این امر را از یک کشاورز گیلانی که خود در سال جاری مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به شرکت تعاونی بدیکار ۲۸۲ سهم در شرکت دارد، جویا شدیم، او اظهار داشت:

«دولت میدانند، هر سال که میگردند از میزان توانائی مالی مان کم میشود ولی در عوض وامی که میگیریم، سهامان افزایش مریابد، بالاخره کار به آنجا میرسد که در ازای عدم توانائی پرداخت، سهامان ضبط میگردد.»

ماده ۳- میزان وام قابل پرداخت بهر عضو بسته به امکانات مالی شرکت و با توجه به میزان سهام خریداری عضو - طرفیت تولید- میزان احتیاج - نوع مصرف وام و قدرت بازپرداخت بدی از طرف وام گیرنده و متناسب با مخارج عملیات طرح یا برنامه مورد نظر با مرجع تصویب کننده وام خواهد بود. تبصره - حداکثر هریک از انواع وام قابل پرداخت بیک عضو ورخ بهره وام طبق نظر سازمان مرکزی تعاونی روستائی خواهد بود.

ماده ۳- آنجا که تاکید بر «میزان وام قابل پرداخت بهر عضو را بر حسب میزان سهام خریداری شده، عضو» دارد، بروشنی ماهیت چاولگرانه شرکت تعاونی را کاملاً ظاهراً باید دست سفید و نزول خواری را در صورت قطع کند نشان میدهد، شرکت تعاونی با شرایط دشوارتر از سفیرخان و نزول خواری از قبیل معرفی شامن و یا وثیقه و کم بودن میزان وام، عدم دست آنان را برای غارت روستائیان بازگذاشته است. همچنین در موقع پرداخت

از دیگر نمونه های سوء استفاده مالی، در هنگام پرداخت وام صورت گرفته، باین ترتیب بود که هیئت مدیره با همکاری بهرست حوزره، در ازای گرفتن رشوه وام بیشتری پرداخت میکرد.

در نتیجه از وام پرداختی به کارگران که حتی احتیاج بیشتری بدان داشتند، کم میشد. بعنوان نمونه در یکی از روستاهای گیلانی یک مملع مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال وام داده شده، در حالی که به خوشبختانه روستا که عضو شرکت نیستند، حداکثر وامی که داده شد ۵۰۰۰۰ ریال می باشد. در مجموع چون این شرکت پدیده ای است که از خارج بروستا تحصیل شده و منابع واقعی آنان را در نظر ندارد علاوه بر آن سالها فعالیت هیچ گره اساسی از کار آنان نگذرد. در وظایف ۱۲۵ ماده ای شرکت های تعاونی روستائی و دیگر بخشنامه علاوه بر حق دخالت های مستقیم و غیر مستقیم به وزارت تعاون روستاها در اداره امور شرکت های تعاونی داده شده است، مأمورین سازمان مرکزی تعاونی روستائی بصورت حامل و اداره کننده تعاونی ما در واقع و جانشین فعالیت و کوشش اعضا شمعاند تعاونی واقعی آن است که بوسیله مردم بوجود آمده و از طرف آنها اداره شود و نقش دولت در تعاونی باید از طریق کمک ارشاد باشد نه دخالت. امر تعاون و همکاری بین روستائیان از دیر باز وجود داشته و ناشی از انجام کارها و مسائل کشاورزی بود که از عهد یک نفر بر نمی آید. و باین دلیل که همیشه همکاری می کردند. از نمونه های آن می توان از همکاری روستائیان در ایجاد شبکه های آبیاری و قنات در برداشت محصول دامداری، راهزنی و غیره یاد کرد. تناقض که بین خودیاری و روحیه سنی تعاونی روستائیان با وضعیت این شرکتها موجود بود باعث شد که بهرست تعاونی بومی در واحدهای کار زراعی (بنه، گاو بند، صحرای...) تا حدودی لطمه خورد. رژیم گذشته که نماینده سرمایه داری وابسته و زمینداران بزرگ بود در مواردی با استفاده از شرکت تعاونی توانست حتی کوچکترین اشکال همکاری و تشکل روستائیان را از بین ببرد «در گزارش شرکت های تعاونی روستائی منطقه تهران» آمده است: «قبل از تاسیس شرکت تعاونی در روستای «شپو» عمده ای در حدود ۱۰۰ نفر شرکتی تاسیس نمودند و با جمع آوری مقداری پول اقدام به خرید برنج از مازندران و فروش آن در «شپو» و دهات اطراف آن نمودند. همکاری این عده سه سال یعنی تا تاسیس شرکت تعاونی روستائی «شپو» طول کشید و در این مدت به خوبی بکار خود ادامه میداد و سود حاصله نیز سالانه بین اعضا تقسیم میگردد. از اقدامات بدی این شرکت که هیئت مدیره تصمیم به اجام آن داشت دائر نبودن فروشگاه هاش علاوه بر فروشگاه برنج، از قبیل قصابی،

شرکت در انتخابات فرمایشی در کار صندوق های رای از جمله وظایف غیر رسمی هیئت مدیره شرکت تعاونی بود. در این مواقع برای ترساندن روستائیان توسط عمال رژیم شایع میشد که اگر شاستامه کسی مهر انتخابات نداشته باشد، زمین او را میگیرند و یا اینکه با وام نیندهند. بدلیل نفوذ و نیز بومی بودن اعضا هیئت مدیره تهیه لیست مشمولان و معرفی آنان به حوزره های نظام وظیفه نیز به عهده شرکت تعاونی بود. از دیگر مشکلاتی که شرکت های تعاونی برای روستائیان بسیار آوردند، گذرش دستگاه عریض و طویل و فاسد اداری رژیم سابق به روستاها بود. باینصورت که بعضی مدیران و سرپرستان شرکت تعاونی با همکاری اعضا هیئت مدیره از شرکت سوء استفاده های مالی میکردند. بعنوان نمونه به گزارش در این مورد در شرکت تعاونی حسین آباد (واقع در منطقه تهران) اشاره میکنیم:

«در سال ۱۳۴۸ مدیر عامل با کمک سرپرست دو ماه قبل از موعد مقرر شروع به جمع آوری وام های پرداختی نمودند و اعضا را با تحمل فشار زیاد و زیان قابل ملاحظه بدی خود را تا مین و پرداخت نمودند. باین پولها مدیر عامل به معامله پرداخت و هنگامی توانست مطالبات ناشی از تجارت را جمع آوری کند که دو ماه نیز از موعد استرداد وام گذشته بود در این شرایط اعضا نسبتاً و امی را که دریافت کرده بودند، دو ماه زودتر پرداخت کردند، بلکه مشمول پرداخت بهره دهرکرد نیز شدند.»

از دیگر نمونه های سوء استفاده مالی، در هنگام پرداخت وام صورت گرفته، باین ترتیب بود که هیئت مدیره با همکاری بهرست حوزره، در ازای گرفتن رشوه وام بیشتری پرداخت میکرد.

در نتیجه از وام پرداختی به کارگران که حتی احتیاج بیشتری بدان داشتند، کم میشد. بعنوان نمونه در یکی از روستاهای گیلانی یک مملع مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال وام داده شده، در حالی که به خوشبختانه روستا که عضو شرکت نیستند، حداکثر وامی که داده شد ۵۰۰۰۰ ریال می باشد. در مجموع چون این شرکت پدیده ای است که از خارج بروستا تحصیل شده و منابع واقعی آنان را در نظر ندارد علاوه بر آن سالها فعالیت هیچ گره اساسی از کار آنان نگذرد. در وظایف ۱۲۵ ماده ای شرکت های تعاونی روستائی و دیگر بخشنامه علاوه بر حق دخالت های مستقیم و غیر مستقیم به وزارت تعاون روستاها در اداره امور شرکت های تعاونی داده شده است، مأمورین سازمان مرکزی تعاونی روستائی بصورت حامل و اداره کننده تعاونی ما در واقع و جانشین فعالیت و کوشش اعضا شمعاند تعاونی واقعی آن است که بوسیله مردم بوجود آمده و از طرف آنها اداره شود و نقش دولت در تعاونی باید از طریق کمک ارشاد باشد نه دخالت. امر تعاون و همکاری بین روستائیان از دیر باز وجود داشته و ناشی از انجام کارها و مسائل کشاورزی بود که از عهد یک نفر بر نمی آید. و باین دلیل که همیشه همکاری می کردند. از نمونه های آن می توان از همکاری روستائیان در ایجاد شبکه های آبیاری و قنات در برداشت محصول دامداری، راهزنی و غیره یاد کرد. تناقض که بین خودیاری و روحیه سنی تعاونی روستائیان با وضعیت این شرکتها موجود بود باعث شد که بهرست تعاونی بومی در واحدهای کار زراعی (بنه، گاو بند، صحرای...) تا حدودی لطمه خورد. رژیم گذشته که نماینده سرمایه داری وابسته و زمینداران بزرگ بود در مواردی با استفاده از شرکت تعاونی توانست حتی کوچکترین اشکال همکاری و تشکل روستائیان را از بین ببرد «در گزارش شرکت های تعاونی روستائی منطقه تهران» آمده است: «قبل از تاسیس شرکت تعاونی در روستای «شپو» عمده ای در حدود ۱۰۰ نفر شرکتی تاسیس نمودند و با جمع آوری مقداری پول اقدام به خرید برنج از مازندران و فروش آن در «شپو» و دهات اطراف آن نمودند. همکاری این عده سه سال یعنی تا تاسیس شرکت تعاونی روستائی «شپو» طول کشید و در این مدت به خوبی بکار خود ادامه میداد و سود حاصله نیز سالانه بین اعضا تقسیم میگردد. از اقدامات بدی این شرکت که هیئت مدیره تصمیم به اجام آن داشت دائر نبودن فروشگاه هاش علاوه بر فروشگاه برنج، از قبیل قصابی،

برای روشن شدن ماهیت این اسانامه کافی است به بررسی چند ماده که بر اساس آن وام توزیع میشد، بپردازیم: ماده ۵- از آئین نامه معاملات اعتباری شرکت های تعاونی روستائی بمنظور تقویت بنیه مالی و توسعه امور شرکت در برابر یکپارچگی ریال وام نقدی و یا مبالغ کمتر از آن صادر یک سهم از سهام شرکت بنام وام گیرنده کسر میگردد. با این حساب شرکت تعاونی علاوه بر بهره بانکی ۶ درصد هم چنین ۵ درصد نیز بعنوان افزایش سهام یعنی مجموعاً ۱۱ درصد در موقع پرداخت، از مبلغ وام کسر میکند. علت این امر را از یک کشاورز گیلانی که خود در سال جاری مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به شرکت تعاونی بدیکار ۲۸۲ سهم در شرکت دارد، جویا شدیم، او اظهار داشت:

«دولت میدانند، هر سال که میگردند از میزان توانائی مالی مان کم میشود ولی در عوض وامی که میگیریم، سهامان افزایش مریابد، بالاخره کار به آنجا میرسد که در ازای عدم توانائی پرداخت، سهامان ضبط میگردد.»

ماده ۳- میزان وام قابل پرداخت بهر عضو بسته به امکانات مالی شرکت و با توجه به میزان سهام خریداری عضو - طرفیت تولید- میزان احتیاج - نوع مصرف وام و قدرت بازپرداخت بدی از طرف وام گیرنده و متناسب با مخارج عملیات طرح یا برنامه مورد نظر با مرجع تصویب کننده وام خواهد بود. تبصره - حداکثر هریک از انواع وام قابل پرداخت بیک عضو ورخ بهره وام طبق نظر سازمان مرکزی تعاونی روستائی خواهد بود.

ماده ۳- آنجا که تاکید بر «میزان وام قابل پرداخت بهر عضو را بر حسب میزان سهام خریداری شده، عضو» دارد، بروشنی ماهیت چاولگرانه شرکت تعاونی را کاملاً ظاهراً باید دست سفید و نزول خواری را در صورت قطع کند نشان میدهد، شرکت تعاونی با شرایط دشوارتر از سفیرخان و نزول خواری از قبیل معرفی شامن و یا وثیقه و کم بودن میزان وام، عدم دست آنان را برای غارت روستائیان بازگذاشته است. همچنین در موقع پرداخت

باید تمام مظاهر وابستگی در روستاها از بین برود

وام از زارع تمد گرفته میشد که حق فروش محصول را ندارد تا اینکه دولت از او خریداری کند. اگرچه روی این زیاد با فشاری نمیشد. با وصف بر این اگر تمدی از دهقانان بدی بهرست و... نشانند که مجبور به فروش محصول خود شوند و میخواستند آنرا بدیوت بفروشند، دولت بدون در نظر گرفتن هزینه های انجام شده در مراحل مختلف (کاشت برداشت) نرخ محصول را در اطاق درسته هیئت مدیره شرکت تعاونی که معمولاً از دهقانان مرفه انتخاب می شد، بخاطر وضعیت کم و بیش خوب مالی عملاً فعالیت بسود روستائیان انجام نمیداد و کاملاً مطیع سر- پرستان حوزره ها بود.

سرپرستها نیز بنوبه خود بهرستامهائی را که از سازمان مرکزی تعاونی روستاها صادر میشد، اجرا میکردند. با این خاطر نسبت به جریان کار شرکت و انتخاب هیئت مدیره یک حالت بی تفاوتی در اکثریت قریب با اتفاق اعضا شرکت مشاهده میشد. که این نشانه درک اعضا از تضادیت که بین منافع آنها و جریان رهبری شرکت وجود دارد و فقط در موقع دریافت و پرداخت وام، متوجه شرکت هستند. اعضای شرکت نه تنها خود را وابسته و در پناه شرکت نسبی دانند، بلکه عضویت در شرکت را تا حدودی بریان خود میدانند. در نظر آنان، عضویت در شرکت های تعاونی و خرید سهام آن در درجه اول امتیازی بود که دولت در ازاء دادن زمین به آنان، از ایشان گرفته بود. علاوه بر توزیع وام که به عهده هیئت مدیره شرکت های تعاونی بود، جمع کردن اعضا برای شرکت در جشنهای شامتهای و بریدن دهقانان برای

اداره امور روستاها باید به شوراهای دهقانی «که در آن نمایندگان واقعی روستائیان با انتخابات آزاد دمکراتیک انتخاب میشوند» سپرده شود.

بود که وام دریافتی قبلی خود را وارسی نموده باشند و در مرحله بدی در صورت وجود اعتبار کشاورزان بدیکار می توانستند تصدیق وام قبلی از وام جدید با نظر هیئت مدیره شرکت استفاده نمایند.

۳- پرداخت وام بکشاورزان فلا با بهره ۶ درصد در سال خواهد بود و تاکنون هیچ گونه کاهش در نرخ بهره وام بوجود نیامده است. در این بخشنامه به ازلو بهرستهای رژیم پیشین سخی گفته شده و نه از دادن وام بدون بهره که خواست همه روستائیان است. در عوض بازمواد همان اساس نامه گذشته شرکت های تعاونی در بخشنامه آمده است و باز همان آس همان کاسه! برای آنکه زندگی زحمتکشان روستا بهبود یابد و بدینال آن سطح تولیدات کشاورزی بالا رود، باید با آثار و عواقب ناشی از رژیم گذشته مبارزه کرد. برای اینکار اولاً اداره امور روستاها باید به شوراهای دهقانی «که در آن نمایندگان واقعی روستائیان با انتخابات آزاد و دمکراتیک انتخاب میشوند» سپرده شود در تانی باید تمام مظاهر وابستگی در روستاها از قبیل رابطه غارتگرانه شرکت های تعاونی روستائی از بین برود.

منابع: ۱- طرح جامعه شناسی و میانی استراتژی جنبش انقلابی ایران - اثر بیژن جزینی. ۲- نرد با دیکتاتوری شاه پناه بزرگترین دشمن خلق و زاندارم امپریالیسم اثر بیژن جزینی. ۳- اسانامه شرکت های تعاونی روستائی از انتشارات وزارت تعاونی و امور روستاها. ۴- گزارش از شرکت های تعاونی روستائی منطقه تهران.

۱- طرح جامعه شناسی و میانی استراتژی جنبش انقلابی ایران - اثر بیژن جزینی. ۲- نرد با دیکتاتوری شاه پناه بزرگترین دشمن خلق و زاندارم امپریالیسم اثر بیژن جزینی. ۳- اسانامه شرکت های تعاونی روستائی از انتشارات وزارت تعاونی و امور روستاها. ۴- گزارش از شرکت های تعاونی روستائی منطقه تهران.

۱- طرح جامعه شناسی و میانی استراتژی جنبش انقلابی ایران - اثر بیژن جزینی. ۲- نرد با دیکتاتوری شاه پناه بزرگترین دشمن خلق و زاندارم امپریالیسم اثر بیژن جزینی. ۳- اسانامه شرکت های تعاونی روستائی از انتشارات وزارت تعاونی و امور روستاها. ۴- گزارش از شرکت های تعاونی روستائی منطقه تهران.

حق تعیین سر نوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی است

در همین اثناء یک روحانی با اتفاق شخص دیگری بنام گلپن بطرف کارگران آمدند و برای کارگران سخنرانی کردند تا آنها را قانع کنند که کمیته را بپذیرند و شورا را منحل کنند اما کارگران نپذیرفتند. فردای آروز کارگران با اطلاعیه ای از سوی رئیس شرکت روپرو شدند که دستور اخراج کارگران را در ازای پرداخت یکماه حقوق در هر سال داده بود. اما کارگران نپذیرفتند و حاضر به تسویه حساب نشدند. کارگران مبارز شرکت ردینگ و شرکت های حفاری دیگر طی انتشار اعلامیه ای چنین نوشتند: «ما بخوبی آگاهیم که در طی این تسویه حساب چه سرنوشتی انتظارمان را میزند. تسویه حساب و حسی پرداخت سالی چندماه غرامت بهیچوجه درد ما را که درد برکاری و گرسنگی است، درمان نخواهد کرد. در پی هر تسویه حسابی گرسنگی زن و فرزند و سرگردانی کین کرده است»

خواست کارگران شرکت های حفاری بمنظور استخدام در شرکت نفت و ملی شدن چاه های عادلانه است. هرگونه نقل در بر آوردن این خواستها بی توجهی بمنافع طبقه کارگر و توده های مردم است.

خواست کارگران شرکت های حفاری بمنظور استخدام در شرکت نفت و ملی شدن چاه های عادلانه است. هرگونه نقل در بر آوردن این خواستها بی توجهی بمنافع طبقه کارگر و توده های مردم است.

خواست کارگران شرکت های حفاری بمنظور استخدام در شرکت نفت و ملی شدن چاه های عادلانه است. هرگونه نقل در بر آوردن این خواستها بی توجهی بمنافع طبقه کارگر و توده های مردم است.

خواست کارگران شرکت های حفاری بمنظور استخدام در شرکت نفت و ملی شدن چاه های عادلانه است. هرگونه نقل در بر آوردن این خواستها بی توجهی بمنافع طبقه کارگر و توده های مردم است.

خواست کارگران شرکت های حفاری بمنظور استخدام در شرکت نفت و ملی شدن چاه های عادلانه است. هرگونه نقل در بر آوردن این خواستها بی توجهی بمنافع طبقه کارگر و توده های مردم است.

### روز ۲۱ مرداد، سومین سالگرد شهادت رفیق مرتضی (امیر) فاطمی را گرامی می‌داریم



رفیق در سال ۱۳۳۷ در محله فقیر نشین خان‌آباد بدنیا آمد. در رابطه با زندگی در این محله شناخت کاملی از تبعیضات جامعه طبقاتی پیدا نمود با این شناخت رفیق امیر وارد دانشکده کشاورزی کرج شد و زودری دریافت که گذشتن از مرزهای طبقاتی راحل مسائل اجتماعی ما نیست و گذشتن از این تبعیضات که یک طرف آن طبقه زحمتکش که مستقیم و غیر مستقیم استثمار میشوند و طرف دیگر آن این نژادان کاره رباخواران جان، خونخواران و جنایتکاران تاریخ، طبقه حاکمه وابسته به امپریالیسم بجز با یک انقلاب که نیروی محرکه آن طبقه پانده کارگر و دیگر زحمتکشان باشد مسیر نمیگردد. این برداشت او در سال ۲۹ در سازمان طوفان بسط‌مده و آموزش پرداخت پس از دستگیری اعضاء سازمان در این سال مستقلاً بهمسراه دیگر دستاش اقدام به تشکیل گروه سیاسی نیمه منظمی نمود و یکارهای سیاسی آموزشی پرداخت. رستاخیز سهاکل نیز نقطه عطفی در زندگی سیاسی او بوجود آورد. رفیق امیر پس از فارغ‌التحصیل شدن با عنوان مهندس جهت تزدیکی بیشتر با توده‌های زحمتکش و شناخت بیشتر دردهای زحمتکشان دوران سرپازی خود را داوطلبانه در پارس آباد مغان سپری نمود که باعث قوام پیشین بنفرت او نسبت به طبقه حاکمه وابسته شد. رفیق امیر به ضرورت پیوستن بهسازمان چریکهای فدایی خلق ایران جهت بیشتر موثر نمودن اقدامات سیاسی تاکید مینمود او درسال ۵۲ بهسازمان پیوست

و با پیگیری و پشتکار مخصوص بنمود در امور سازمان مشارکت میکرد و در سال ۵۵ پس از ضرباتی که بهسازمان وارد شد پس از شهادت خواهرش پروین و سر همیش حسین و دیگر همزمان پس از قطع ارتباط با سازمان به تنها آرزویش که شهادت در میان کسانیکه بدندان بوی کار میدهند یعنی چریک‌ها دارند و بر دستپاچان پینه‌های تریک خورده هست رسید و بهنگام دستگیری در یکی از مرغداری های اطراف کرج در میان کارگران شهادت رسید.

پایین مناسب خانواده رفیق امیر در این تاریخ با علم به پیروزی راهتان یاد او و دیگر همزمانش را گرامی میدارند.

### انقلاب ارضی در نیکاراگوئه

رهبران جدید نیکاراگوئه در روز ۵۸ مرداد اعلام کردند به عنوان اولین گام در جهت اصلاح سیاست کشاورزی زمین‌های متعلق به اناسازوسوموزا بیکاتور فراری نیکاراگوئه کسانی که در نگهداری زمین با وی همکاری میکردند به دهقانان بزمین واگذار خواهد شد.

یکی از رهبران ساندینیستا گفت این کار

### روابط غارتگرانه شرکتهای تعاونی روستائی باید از بین برود

یکی از راههای نفوذ اقتصادی بورژوازی کپرادور در روستاها از طریق منابع اعتباری مثل بانکها و شرکتهای تعاونی روستائی است. این میان نقش شرکتهای تعاونی روستائی که درین روستائیان به دستنویق تعاونی معروف است بیشتر از سایر منابع اعتباری است. در دیماه ۱۳۵۷ طبق قوانین اصلاحات ارضی و تسهیلات دولت، صاحب زمین شدن رعایا مشروط به عضویت آنان در شرکتهای تعاونی روستائی گردید. بدین ترتیب بناچارزارمین که مشمول قوانین اصلاحات ارضی شدند، به عضویت این شرکتهای درآمدند در قسمتهای از اساتمام شرکتهای تعاونی روستائی چنین آمده است:

«تأمین اعتبارات وامهای مورد نیازاعضاء انجام خدمات به منظور بهبود امور. حرفه‌ای و یا زندگی اعضاء مانند تهیه ماشین آلات کشاورزی و استفاده مشترک از آنها، تهیه وسایل حمل و نقل برای استفاده اعضاء و تهیه مسکن تأمین و توزیع آب آشامیدنی و آب برای مصارف زراعی اعضاء با رعایت قانون ملی شدن منابع آب - پیش‌بینی وسایل بهداشتی و بهداشتی و آموزشی به منظور استفاده جمعی و مشترک - توزیع نیروی برق، ایجاد شبکه تلفن، تلقیح مصنوعی دامها و مبارزه با امراض و آفات نباتی و حیوانی.»

ظاهراً چنین بنظر می‌آید که هدف از ایجاد شرکتهای تعاونی روستائی، دادن وام به روستائیان و در نتیجه نجات آنان از دست سلف خران و ترولفوران، مکانیزه کردن کشاورزی و انجام خدمات دیگر به منظور بهبود زندگی کشاورزان است.

ولی آنچه در واقعیت می‌گذرد آن است که شرکتهای تعاونی بهمسراه سایر سوداگران شهر، جای فئودالها را در بهره‌کنشی از دهقانان اشغال کرده‌اند. آنچه که امروز از عوارض

### بر خلق ستم‌دیده بلوچ چه می‌گذرد؟

دورانی نه‌چندان دور که خوانین با احتیانه ترین شکلی به فروش و اجیر کردن انسانها به صورت برده میپرداختند و از دهقانان بیگاری میکشیدند موراندام زحمتکشان راست میکشد. ترس از تسلط شدن خوانین، لزوم سرکوب و دستگیری هرچه زودتر آنها را ایجاد میکرد و دولت هم رسماً از آنها خواسته بود که خود را معرفی کنند زیرا توسط آنها بود که رژیم وابسته بهلوی مردم را در فقر و عقب ماندگی نگه داشته بود و بر شدت ستم ملسو و طبقاتی خود بر زحمتکشان بلوچ می‌افزود. اما دولت ماهیتا با دستگیری آنها مخالف بوده بدین علت که آنها وسیله حائز و آماده‌ای بودند برای سرکوب مردم و پاسنگونی به خواسته‌های برحق آنها.

آگاهی زحمتکشان بلوچ از حقوق خود و تشکل آنها برای کسب آن دولت را نگران کرد. عدم مسئولیت دولت و غلبه قدرت در منطقه راه را برای جولان دادن و گردنه‌گیری و غارتگری عناصر مزدور و سرپرندگان بساز کرد. دولت با تحریف و بی‌اعتبار کردن خواسته های مردم دست به دامان متفوترترین اشخاص زد، وهمان کسانی را که در صدد تقییبشان بود، همان کسانی را که بهطور غیر رسمی دست به جنایت و چپاول می‌زدند و امنیت منطقه را بهم زده بودند با مسلح کردن و تالیید آشکار، بهطور رسمی و قانونی مامور سرکوب مردم بلوچستان نمود. همکاری و پشتیبانی دولت از

در «کار» ویژه خلعها ۱۱ مرداد ۵۸ گزارش نسبتاً مفصلاً در مورد اوضاع کنونی بلوچستان آوردم. در آن گزارش از توطئه‌ها و چهره‌ها و دستپاچایی که در پشت آنها بود، پرده برداشتیم. در آن مطلب واقیبت‌های سنگین منطقه، برای حلقهای ایران نشان داده شد. واقیبت‌هایی که مقامات دولتی در تحقق آن نقش داشته‌اند و هرگز نمی‌توانند از آن بی‌اطلاع باشند. اما آقای بازرگان وقتی در سخنرانی اخیر خود در رادیو تلویزیون به آن زن بلوچ که برنج پختن را نمی‌دانست اشاره می‌کرد و می‌خواست آگاهی خود را از ستمی که به مردم بلوچ روا شده به بینندگان و شنوندگان بتبیلاند، گویی از خدمتسی ماموران و مقامات رسمی با سردارهای خانن وابسته به رژیم پیشین ابتدا اطلاهی نداشت. ما بار دیگر، اعمال و سیاستهای خائنه‌های را که بوسیله خانها و سردارها، با هدایت و دستور ماموران دولتی نسبت به خلق زحمتکش بلوچ روا می‌نمود، با آوردن بخشی از اعلامیه «دانشجویان پیشگام بلوچستان» به آگاهی خلق های ایران میرسانیم....

### یک نشریه محلی باید چه خصوصیات داشته باشد

چاپ و انتشار نشریات متعدد و جورواجور (روزنامه، مجله، شبنامه، اعلامیه و...) از طرف گروه‌ها و جمعتهای سازمان یا هواداران، پیشروان و پیشگامان در مناطق مختلف لازم برخوردار است. جدی را بهمه این نشریات لازم آورده است. بهین دلیل است که برخلاب قول قبلی مبنی بر نقد و بررسی یک‌پسک آنها، ضروری است که مقدماً خصوصیات یک نشریه محلی برشده شود.

مسئله طرف پیشنهادی حاصل جمع‌بندی اولیه است اما کوشش خواهد شد که بعداً با نقد یک نشریه محلی فرستاده شده این طرح تکمیل شود.

۱- نشریات محلی باید از پرداختن مسائل عام، بحثهای انتزاعی و بطور رابطه با مسائل منطقه و محل (مانند تاریخچه مختصر دهقانان از بردمداری، یا نظام بردمداری) بپرهیزد. زیرا این عمل موجب صرف وقت و قوای بسیار زیاد رفا خواهد شد و آنها را از پرداختن مسائل خاص منطقه‌ای و محلی باز خواهد داشت.

۲- نشریات منطقه‌ای نیایستی مسائل و مشکلات یک قتر یا یک طبقه (مثلاً منحصراً یککارگران یا منحصراً دهقانان) بپردازند. بلکه باید مسائل همه اقشار و طبقات را مورد توجه قرار دهند. بطلاوه نشریات یک واحد تولیدی نیز نباید به فعالیت کارگران یا زحمتکشان آن واحد محدود باشند بلکه باید حاوی اخبار و مطالب دیگر واحد های تولیدی و مناطق هم‌جوار نیز باشند.

۳- باید مسائل مشخص کارخانه، محله و منطقه‌ای که در آن جا فعالیت میشود، مورد توجه قرار گیرد و بخصوص، دین جهت به‌افتاکری بپردازد. و اسناد و مدارک افتا کننده را چاپ کند. همچنین در جهت جمع بندی این مسائل و مشکلات و ارائه رهنمود مشخص، در هر مورد، حرکت کند مثلاً: رایج به‌فواستهای عدم کارگران، دهقانان، کبه بازاریان، مسلمین، محصلین و بطور کلی روشنگران و غیره؛ رایج به‌فواست مهم مبارزه اقتصادی و سیاسی آنها دستاوردهای مثبت آنها، شخفا و قدرتهای آنها در مبارزه و غیره.



### خلق ۸۰۰ هزار نفری ترکمن در مجلس خبرگان نماینده ندارد

نمونه انتخابات در استان مازندران و نادیده گرفتن حقوق خلق ترکمن بهترین نمونه غیر نمکراتیک بودن انتخابات مجلس خبرگان بود. نشان داد که دولت چگونه با نقشه از پیش تعیین شده، انصارطلبان را بنامندگی از خلق ترکمن وارد مجلس می‌کند. و همسر آنکه کسانی که خود بهشوراهای ولایتی و حقوق خلقها منتقدند در برابر این اجحاف بزرگ سکوت می‌کنند؛ چا دارد که از هم‌مستولین دولت سؤال کنیم که نماینده خلق ترکمن در مجلس خبرگان کیست؟ آیا اساساً خلق ترکمن حق آرا داشته که در مجلس خبرگان نماینده‌ای داشته باشد یا خیر؟ آنچه که عیان است ترکیب نمایندگان استان مازندران حکایت از آن دارد که شورای خلق ترکمن سحرا با جمعیتی بیش از ۸۰۰ هزار نفر فاقدنمایند بود و انصارطلبان

دولتی با بر کردن صندوقهای ای از شهرهای اطراف برای خلق ترکمن نماینده انتخاب نمودند؛ کسانی که بهمکراسی منتقد باشند به درستی میدانند که خلق ۸۰۰ هزار نفری ترکمن می‌باید دونمایند در مجلس داشته باشند و نمایندگان واقعی خلق ترکمن بنسبیت و پشتیبانی تمام مردم این ناحیه و شوراها و دهقانی، شهرمصدرخشند توماج و عبدالحمکیم مشغوم بودمانند. و این انتخابات یکبار دیگر بهخلق ترکمن ثابت نمود که دولت آگاهانه برای زنده نگذاشتن حقوق این خلق انتخابات را بسک و شیوهای ضد نمکراتیک برنامه‌ریزی نموده تا مجلس خبرگان خود ساخته را به مجلس انصارطلبان تبدیل کند و مانع ورود نماینده خلقها بمجلس گردد.

### مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگانش